

[Afghanistan Digital Library](http://hdl.handle.net/2333.1/2z34tms8)

adl0638

<http://hdl.handle.net/2333.1/2z34tms8>

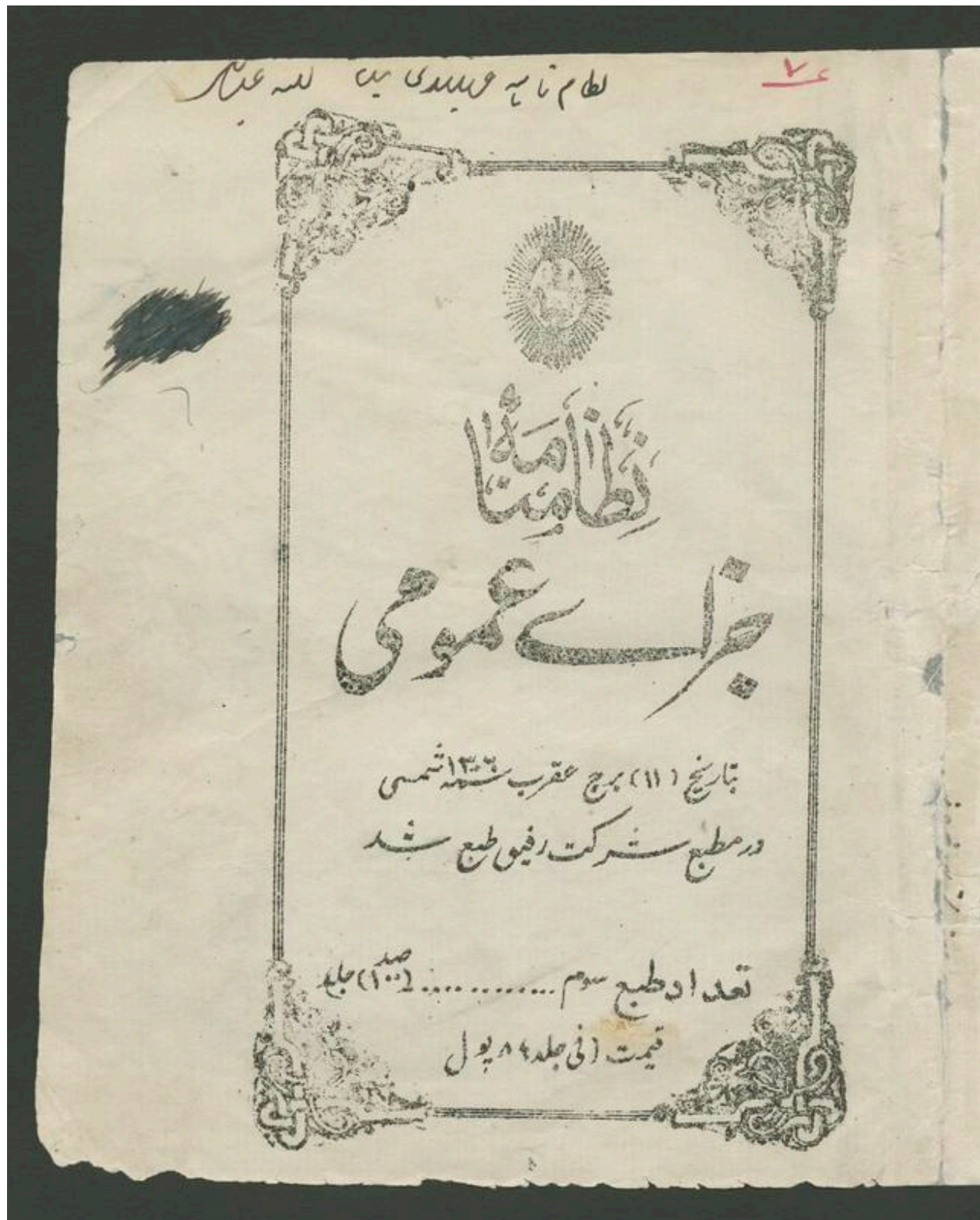


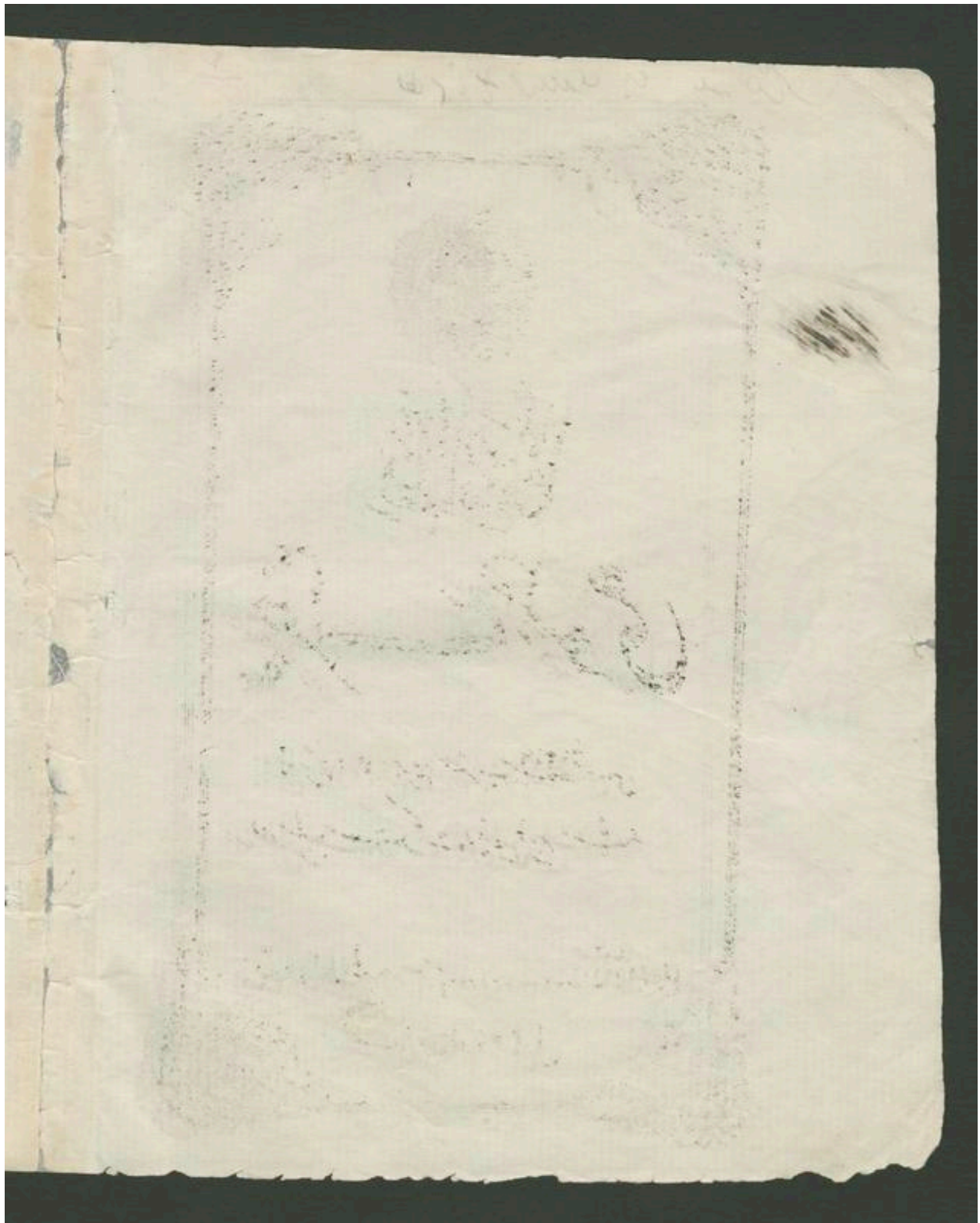
This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu







بسم الله الرحمن الرحيم

نظامنامه جزای عمومی مقلمه

قاعده

(۱) — چنانچه اجرائی مجازات برای یکد برادر است بر علیه حکومت

واقع میشوند بدولت عائد است، همچنان از جمله جرائمیکه بر علیه

یک شخص بوقوع برسند، تحدید درجه تعزیرات آنهم که تابع تعزیر

شرعی و سیاستی باشند بدولت عائد بوده، بنابراین در باره

این نوع مجازات این نظامنامه جزا چنانچه مقدر با آن قرار می

بیاورد، و از سببیکه در باره جرائمیکه بقصاص و دیه متعلق میباشد

احکام میثقه شرعی را نیز حاوی است، بنابراین کافه مندرجات
 آن مطابق شرع انور (محمدی) است، و آن فصول تنگ
 اقصای الایمانیه که متعلق بجزا است از مروطات این نظام
 شمرده می شود.

(۲) — جریمه های قانوناً مستوجب مجازات هستند سه نوع است:

اول قباح: دوم جحه؛ سوم جنایت.

(۳) — قباح مستلزم مجازات تکذیری؛ جحه مستلزم مجازات تأدیبیه؛

جنایت مستلزم مجازات تربیتی؛ جریمه های هستند.

(۴) — مجازات تکذیری عبارت است از جزای نقدی از یک روپیه الی دو صد روپیه؛

و یا از بیست و چهار ساعت الی یک ماه حبس.

(۵) — مجازات تأدیبیه عبارت است از دو صد روپیه بالاتر الی

سه هزار جزای نقدی، و از یک ماه الی سه سال حبس، و یا جزای

ضرب یعنی لٹ از (۳) دره الی (۳۹) دره.

(۶) — مجازات تربیتی عبارت است از جزای نقدی بالاتر از

سه هزار روپیه، و جزای حبس از سه سال بالاتر الی حبس دوام

و اعلام، و جزای ضرب از (۳۹) ذره الی (۱۰۰) ذره مراد

از حبس دوام بیست سال مجوسیت است .

(۷) — جزای جرایمی که از نوع جنه باشد، تنها، بیک لگ زولانه در محو خان

اکمال مدت حبس در اینماید مجوسین مجو خان بصنایع مختلفه مشغول

میشوند، و مبلغی که از آن حاصل کنند بقوت معاششان رسانیده

و مقداریکه برای شان کفایت نکند از طرف دولت اگمال میگردد، بکوشین

قباحت در توقیفخانه متوقف مینامند .

(۸) — جزایمانیکه از نوع جنایت باشد، بزولانه انداخته شدن بر پیرایه محم

در بندخانه پای عمومی ادا میشود، و نظریه اقتضا جرم، بندها در زندان

دولت گماشته میشوند، و از طرف دولت برای شان

خوراک داده میشود .

(۹) — جزای ضرب یعنی لت در صحن سرایهای حکومتی در حالیکه یکی

از مفتی های محکمه شرعیّه که اعطای حکم نموده، و کینفر

منصبدار کو توالی، و چند الاقتضای نائب الحکومه و یا حاکم

و کینفر مفرزه نظامی و کو توالی موجود باشد، در پیشرو

سبب از این نامه ۱۰۰ لگه جزای محم

در نظر محکمات

یک جم غیر االی اجرا میشود .

(۱۰) — جزا — ضرب با مرسم ذیل اجرا یابد —

مفتی محکمه شرعی ، یا مفرزه نظامی کو توالی در قاعده بالا ذکر شده
در صحن سزای حکومتی ، و یا در صحن ولایت عین جای سطلی آن اخذ
موقع نمایند ، و االی بدو در دو صحن ایستاده و یک میدان وسیع بپوش
آورده اجتماع میکند ، متعاقباً محکوم علیه بمیدان آورده میشود ، مفتی
جهان محکمه در باره او اعطای حکم نموده ، حکم فیصله شدگی با و از بلند
میخواند بعد از ختم قرائت محکوم علیه از کالاس بالاپوش برهنه
شده در صحن مذکور بقسم راکعانه ایستاده شد ، یک شخص دیگر
از کو توالی مقابل او ایستاده شده سر او را در بغل میگردد
جداً کو توالی دره شرع شریف را گرفته ، بموجب اشاره
که از طرف مفتی داده میشود یک بعد دیگر ضرب بار در پشت میخورد
فرودمی آرد ، در اثنا ضرب دست راست از
شانه باید بالاتر نشود و بعد از تماس ضرب بجله دره باید بر جلبد
کش کرده نشود بعد از پوره شدن حد مطلوب بموجب اشاره مفتی

سید زین العابدین
نقل از کتاب
تکلیف و تادیب

محکمه عدلیه علیات ختام می پذیرد و مستقاباً اگر محکوم علیه
علاوه بر آن مجزای حبس هم محکوم گردیده باشد
به بندینخانه سپرده میشود، و اگر اضافی بر آن محکومیت
نداشت آزاد گذاشته میشود، و اگر محکوم علیه زن باشد
در حضور محکمه شرعیه جزا بصورت سائرانه زده میشود. و ایضا تشهیرات
فوق در شان او ضرورت ندارد، و میر او را باید شخص محرم بگیرد
و اگر محرم نباشد زن دیگر را مکلف سرگرفتن او میدارند.

(۱۱) — هیچ نامور دولت تا حکم یک محکمه جزائیه نباشد هیچ کس از
رعایا را بهیچ وسیله و بهانه ضرب نمیتواند، و بهم حکمی که از
محکمه صادر گردد بالذات بدست خود اجرا کرده نمیتواند، جز آنکه
فقط بشکل و صورتیکه در بالا ذکر شده اجرا پذیر میگردد.
(۱۲) — مراد از مجزای اعدام، قلیت که طرز آن از حضور پادشاهی
صادر میگردد.

طرز اجرا اے هر حکم اعدام ده اثنای منظر بی علامی که حکم اعدام
حاوی بوده از طرف اشرف پادشاهی تصریح و ایراده

مستقل از سایر محاکم
در سال ۱۳۰۰ هجری قمری

فرموده میشود.

(۱۳) — زنیکه بجز اے اعدام محکوم گردیده باشد، اگر حامله بود

بعد از وضع حمل مجازات میشود.

(۱۴) — مردانیکه بجاییت محکوم باشند، پیش از آنکه آنهارا در بندگاه

بهرند، بشهرت تناده شد تشهیر میشوند.

(۱۵) — هرگاه یکی از تبعه دول جنبیه باشند افغانستان مرکب هرگز در مستلزم

جزا باشد، طبق نظامنامه جزا مانند سایر تبعه افغانستان مجازات میشود.

(۱۶) — یک شخص پس از آنکه بصورت قطعی یکی از مجازات ترهینیه محکوم شد در زنیکه

در حبس خا باشد، و یا بعد از اكمال مدت حبس خود در ظرف

ده سال دیگر مرکب چنان یک جنایتی گردد که مستلزم حبس

پانزده سال و یا زیاده بر آن باشد سیاستاً اعدام میشود.

(۱۷) — هرگاه بر بالا اے یک شخص دیت شرعی، و تضمینات شخصیه

در دموال مسروقه، و جزا اے نقدی و مصارف محاکمه

یکجائی حکم شود، از همه اول مقدار دیت شرعی و تضمینات

شخصیه و اموال مسروقه از وی گرفته میشود و بعد از آن

مجازات خا

در نظامنامه جزا

جزای نقدی و مصارف محاکمه، و مانند آن حق دولت

از وی استحصل میگردد.

(۱۸) — مصارف محکمه بر ذمه محکوم علیه است.

(۱۹) — اشیا یکه اعمال، و استعمال، و نقل و محافظه، و بیع و شرا

آن جرم را بوجود می آرند، اگر چه بفاعل جرم تعلق نداشته باشد.

هم مطلقاً. از طرف دولت ضبط و صادر میشود.

(۲۰) — اشخاصیکه بکدام جنایت مجرم که امنیت داخلی و خارجی دولت اخلال

جرات در زید باشند بعد از اكمال نمودن ت جزائیه که قانوناً

برای شان معین است بهمه حال در تحت نظارت کتووالی میباشند.

(۲۱) — بودن در زیر نگاری کتووالی عبارت است از این چند چیز:

اول: اقامت کرده نتوانستن در مملکتها یکجکه حکومت آنرا

تعیین نموده است.

دوم: محله را که در آن اقامت میورزد و یا جاها نیکه تا

برسیدن محل اقامت خود از آنجاها میگذرد، آنرا

تعیین و بیان نموده.

سوم - در تذکره مروری تقسیم گفته شد اشارت کردن.
چهارم - مجرور رسیدنش در آنجا در طرف بیست و چهار ساعت
از ورود خود بمحکومت خود خبر دادن.

پنجم - در حالیکه از آنجا بیک طرف دیگر رفتن آید و در آنجا باشد روز
بیشتر بمحکومت خبر داده مجدد آید که مروری خود را گرفتن،
کسیکه در زیر نظارت ضبطیه بوده با وجود آن باین شرائط
رعایت نکند کم از کم بجز این سه کیس محکوم میشود.
(۲۱) - ماوریکه بمحکومیت مدت لا اقل ده سال محکوم گردید باشد این شرط
که آید در هیچ یکی از خدمات دولت از کار گرفته نشود و بکار گرفته میشود.
ماوریکه مرتکب جرم سرقت اموال دولت و اخذ رشوت
گردیده باشد، اگر چه کمتر از این مدت بمحکومیت دوچار
شده باشد، الی الابد از خدمت دولت طرد میشود.

(۲۲) - در آتشاسبه وقوع جرم کسانی که سیزده سالگی را بپوشیده
نکرده باشند، از قوه میزه خروم دانسته میشوند و از
جرمیکه کرده باشند معذورند و شناخته نمیشوند، هرگاه از سبب

جرم ایشان دیت لازم شود بعاقله متعلق میشود و خود ایشان
 بوالدین و ولی یا وصی یا بی شان تسلیم میشوند، مگر بچنین
 بچه یا پیش از آنکه سال پانزدهمین سن خود را پوره کنند با سکر
 از ایشان یک جرعه سر بر نواز گسائیکه بجا فله شان نموند
 از صدر و پیه الی و دهنر رو پیه جزا اسی نقدی گرفته میشود.
 (۲۴) — در حین وقوع جرم بچه یا نیکه سال سیزدهم خود را پوره نموده و سال
 پانزدهم را اكمال نموده باشند، جزا اسی شان بدرجه نصف
 مقدار یک در نظامنامه مصرح گردیده است، حکم میشود، اگر جرم
 مستلزم اعدام باشد، بوضع آن ده سال حبس میشود، و از
 اینچنین بچه یا جزا اسی نقدی بهم مناصف گرفته میشود.
 (۲۵) — هرگاه ثابت شود که جرم در حین وقوع جرم بحال (جنت) یعنی
 دوچار بود، از مجازات معاف دانسته میشود.
 (۲۶) — هرگاه ثابت شود که یک شخص یک جرم را که اصلاً مرصا
 او نبود مجبوراً مرتکب گردیده است از مجازات معاف
 دانسته میشود، تنها در میناب مجبوریت که معتبر است

(نقدی از جرم است، و از آنکه سکر)

نظر بد رجاء جرم اولاً عبارت است از وقوع یک چنان کیفیت
که آن شخص را تماماً و کاملاً از شعار تهمت بری الذمه نشان بدهد،
و ثانیاً پیش آمد یک چنان ضرورتیکه او در مقابل آن مقاومت
کرده نتوانستن خود را ثابت بسازد الا از قبیل امثال الدین
و یا از بابا در بخار میکار حالاتی که از تعظیم احترام نشسته میکنند بهر جهت
گفته نمیشود.

(۲۶) — فلیکله بصورت دفع فوری یک تعرض ناحی خواه نفس غرض شخص یا غیر
واقع شود، و جلوگیری آن بیکر صورت ممکن نباشد از جرم گفته نمیشود.
بنابر علی ذلك فالعل آن از جرم معاف دانسته میشود، افعالیکه در شان
نهب و سرقتیکه به اجراء جبر و شدت بوقوع پیوسته باشد
و یا خود در مرتبه نیکه مورد شچنان یک ضرر عظیمی میشوند که اراده
و اختیار یک شخص را خنثی نماید و بوقوع برسند، و یا هر گونه افعالیکه
برای دفع سارق و ناهب اجرا شود و یا در حالیکه استراده
مال ممکن نباشد هرگاه برای مدافعه خود، و محافظه و تحلیص
دستر داده فوری مال افعالی بوقوع برسند آنها را نیز

جرم گفته نمی شوند .

هرگاه در اجرائی یک حکمیکه از روی شرع و نظام و یا امریکه از کلام مج
نظامی داده شد باشد، یک فعلی واقع شود جرم شمرده نمیشود .

(۲۸) — اموال مسروقه در دست هر کس که باشد از وی گرفته میشود

مگر جز اعاید است بفاعل مرقت .

(۲۹) — هرگاه یک چند نفر اشخاص متعدد متحداً مرتکب یک جنحه

و یا جنایت گردند، و یا آنکه در یک جنایت و یا جنحه که از

افعال متعدده مرتکب باشند چند نفر اشخاص هر کدام شائ

بفرض حصول جرم، یکی و یا یکچند از افعال مزبور

اجرا کنند، اشخاص مذکوره را هم فعل گفته میشوند، و همه شائ

مانند فاعل مستقل آن فعل جزا می بینند .

(۳۰) — کسانی که به اعطای هدیه، و یا نفوذ، و یا به اجرائی تهییذ و یا

اعمال حیل و دسیسه، و یا بصرف نفوذ، و یا بصورت استقلال

بجای حکم، موریت خود دیگر را بوقوع یافتن یک جنحه و یا جنایت

تحریک نمایند، و یا بوقوع یک جنحه و جنایت اقف گردیده بر

انتقال از فصل اول

حصول آن تجویزات نمایند، و یا اسلحه آلات و وسایط را
 که مازد وقوع یک جنحه و جنایت باشد دید و دانسته تدارک کنند،
 یا در فعالیکه سبب آماده گی و یا تسهیل و یا احوال یک جنحه جنایت
 باشند دانسته با فاعل اصلی آن معاونت و رزند، همی رکن
 فرعاً ذی دخل همان جنحه و جنایت شناخته میشوند.
 کسانیکه برخلاف امنیت حکومت، و امنیت عمومی، و امنیت
 اشخاص اموال دست درازی و یا استعمال جبر شدت مینمایند
 و یا بر افعال محرکات ارباب جرایم واقف بوده بآنها بالاختیار
 خوراک و خوابگاه و جامه پناه و جامه اجتماع میدهند نیز
 ذی دخل شمرده میشوند، کسانیکه اشیائے را که بصورت غصب
 و یا سرقت، و یا خود از وقوع یافتن یک جنحه و یا جنایت استحصا
 گردیده باشند، تماماً و یا قسمی دانسته حفظ و ابقا نمایند
 نیز در همان افعال ذی دخل شناخته میشوند، و نظیر این
 حالات مختلفه در باره کسانیکه فرعاً ذی دخل یک جنحه و یا
 جنایت باشند بوجه ذیل جزا حکم میشود:—

اگر اصل فعل مستلزم اعدام و یا حبس^{۱۰} ام باشد، در باره کسانی که در آن
 فرعاً ذی مدخل اند [از ده سال تا پانزده سال جزا حبس]
 اگر اصل فعل مستلزم جزا حبس از ده سال تا پانزده سال
 باشد در باره کسانی که فرعاً ذی مدخل باشند
 [از سه سال تا پنج سال جزا حبس].

اگر اصل فعل مستلزم جزا حبس از سه سال^{۱۱} سال باشد و باره
 کسانی که فرعاً ذی مدخل اند [از دو سال تا سه سال جزا حبس]
 در مسائل پنجم جزا حبس کسانی که فرعاً ذی مدخل
 باشند، [بقدر دو ثلث جزا حبس اصل فاعل است].
 و اگر اصل فعل مستلزم دیت شرعی یا جرأ نقدی یا ضرب باشد کسانی که
 فرعاً ذی مدخل باشند بقدر دو ثلث جزا حبس فاعل، جرأ بینند.
 (۳۱) — در حالیکه یک ارث عدم وقوع قتل دانسته بر یک شخص تذکر شده و در
 دعوی قتل اقامه نماید و بطلان دعوی و بصورت بر حیات بودن
 مقتول ثابت شود [وارث مدعی جزا حبس شاهد زور می بیند].

(باب اول)

(جنگ و جنایاتیکه ضرر شان عام است، و مجازات بر اے آن مقرر گردید)

(فصل اول)

(جنگ و جنایاتیکه امت خارجیۀ افغانستان)

(اخلال می نمایند)

(۳۳) — با دشمنان افغانستان متفق گردیده بر علیه افغانستان بی عدالتی

افغانستان سلاح گرفتن [اعدام]

(۳۴) — یکده ارت اجنبی را بر علیه افغانستان بحرب بر می خیزانند [اعدام]

(۳۵) — در داخل شدن دشمن با افغانستان سهولت بهرسانیدن ^{و ضعیف}

دشمن به آسانی در افغانستان راه استیلا یابد، راه ها، و ریل ها،

و قلعه ها، و ماشین ها ^{نقطه} افغانستان را تخریب نمودن، و عسکر دشمن را

بسلاح و پول معاونت دادن، و عسکر افغانستان در مقابل دشمن

به عدم مقاومت تشویق نمودن، و یا بر اثر قوه بغض آوردن

یکی از این جنایات با دشمن مخایره کردن [اعدام]

(۳۵) — بدشمن از ترقیات عسکریه مملکت و نقشه های مدافعه تعرض

و مقدار قوه عسکریه، و حاصل یکی از اسرار عسکری و اسرار

مهمه سیاسی را خبر دادن [اعدام].

(۳۳) — عسکر افغانستان را بفرار کردن بگو دشمن تشویق و اغوا نمودن [اعدام]

(۳۴) — بیک سر از اسرار سیاسی و عسکری دولت بحسب

مأموریت خود واقف گردیده در حال عدم مآذونیت آنرا

بدشمن افشا نمودن [اعدام]

(۳۵) — در جد ساختن و یلغی کردن و انیدن یک قسم از ارضی افغانستان را از افغانستان

و یا خود را بجا بر آتاسیس دادن یک اداره مستقله جداگانه

از اداره دولت کوشیدن [اعدام]

(۳۶) — بغرض کوشش در ایجاد یک حرب بر علیه افغانستان

بجاک یک دولت اجنبی پناه بردن [اعدام].

(۴۰) — پیش از اعلان حرب یکی از تبعه افغانستان، در خدمت

عسکریه دشمن بوده پس از اعلان حرب نیز در همان خدمت

دشمن پائیدن [پانزده سال حبس].

* *

فصل دوم

(جغہ و جنایاتیکہ امنیت داخلہ افغانستان راغلاں)

(۴۱) — تبہ افغانیہ را بر علیہ حکومت بغی و عصیان تشویق دادن

و متعاقباً فعل عصیان بر وقوع آمدن [اعلام]

(۴۲) — بے وقوع فعل بغاوت، فقط در تولید مادہ بغاوت گویند

[جس پانزدہ سال]

(۴۳) — بر قبا و نشانہا افغانستان، و یاد دل اجنبیہ دوست بغرض قہار

و استخفاف پارہ کردن [از دو سال تا سہ سال]

(۴۴) — تشویق نمودن ہالی افغانستان را بمقابلہ یکدیگر، و بدینغرض

آنها را بضد ہدیگر مسلح گردانیدن [اعلام]

(۴۵) — جرائمیکہ در قاعدہ ہاے (۴۱) و (۴۲) و (۴۴)

بیان گردیدند، ہر گاہ از طرف بعض جمعیت ہا بعمل آید

رؤسای شان [اعلام] و نفری شان [جس دوم]

میشوند، علاوہ بر آن جنایت ہائیکہ درین قاعدہ ہا بیان

گردید، ہر گاہ در آنخصوص در میان بعضی اشخاص مذکور

و مفاهیم بیان آید، و به بعضی اسباب توسل و زریده شود
 کسانی که در مذاکره و مفاهیم مشاغل باشند
 روسای شان [صبر دوام] .
 و باقی شان [پانزده سال صبر] .
 اگر تنها مذکره بوقوع آید و با سبب توسل و زریده نشود
 روسای شان [ده سال صبر] .
 باقی اعضا [هفت سال صبر]
 اگر از میان شان کیفر تکلیف نماید، و دیگران تکلیف را
 رد نموده قبول نکنند، شخص تکلیف کننده [پنج سال صبر] .
 و کسانی که تکلیف او را رد نموده بدولت خبر دهند [از
 شش ماه تا یک سال صبر] .
 کسانی که تذکره و اعمال احضار و اعطای سلاح و آلاتیکه
 یک جمعیت فسادیه برای اجرای مقصد خود بان محتاج است و آنرا
 هرگاه مقرر فساد بوقوع فعل آید [احدام] .
 و اگر بوقوع فعل نیاید بدو چوبست باقی بماند [پانزده سال صبر]

نسخ
 کتاب
 تاریخ
 ایران
 در
 عهد
 قاجاریه
 در
 کتابخانه
 مجلس
 شورای
 ملی
 تهران
 ۱۳۰۳

و چون در افغانستان تجارت اسلحه جاریست، بنابراین
 کسانی که پیشه اسلحه فروشی و تجارت سلاح مشغول باشند
 هرگاه از آن وقوف نداشته باشند [از جزا معاف نیستند].
 (۴۶) — کسانی که عسکر دولت را ببلوا و نباهت تحریک و تشویق نمایند [اعدام]
 (۴۷) — قصد ماشین خانه یا و انبارخانه دولت را حراق نمودن [اعدام]
 (۴۸) — کسانی که بتاراج کردن نقود و اشیای رعیت دولت
 تشبث ورزند رؤسای شان [اعدام]

و بقیه نفری [جس دوام]

(۴۹) — و زردانیکه در کوه یا صحرا یا مسلح گشت و گذار نمود و مردمان را
 سخت میکنند، اگر بمطابق تمسک القضاء الا مانیه حد لازم
 نشود بعد از تاوان [از پانزده سال تا جس دوام].
 (۵۰) — هرگاه کسانی که بمقصود قطع طریق، در کوه یا صحرا یا مسلح
 گشت و گذار نمود و قبل از زردی و تاراج گرفتار نشوند
 [از سه سال تا پنجاه سال جس]

(۵۱) — از ارباب شقاوت مستمره کسانی که قبلاً هم مرتکب جنایت

مردمان را
 سخت میکنند

گرویده باشند، و یا رهنزانی که در دست افتادگان خود را شکنجه
و اذیت نمایند، و یا در آتش قطع طریق مردان را میکشند [اعدام] .
(۵۲) — اگر رهنزان کسی را قتل نموده، و مال گرفته مجروح کرده اگر بطلان
تسکات القضاة الامانیة حد لازم نشود بعد از تاوان
[از پنجاه سال تا ده سال حبس] .

(۵۳) — در کوچه ها و میدانها بغرض تشویق مردم برای
عصیان، و اوراق مضرة مطبوعه را نشر کردن، و یا برای
این مقصد نطق با گفتن، هرگاه عصیان بظهور آید [اعدام] .
و هرگاه بظهور نیاید [نهی دوام] .
و اگر تکرار در محل دیگر هم از ایشان اینگونه اوضاع سرزند
اگر چه فعل عصیان بظهور نیاید [اعدام] .
(۵۴) — کسانی که اخبار و بیانات نامرئی که بغرض تشویق مردم
برای عصیان نوشته شده باشند در نزد خود داشته
هنوز توزیع ننموده باشند [از پنجاه تا هشتاد سال حبس] .

* * *

انقل من کتاب

فصل سوم

(در باره رشوت)

(۵۵) — قاضی و جملة مأمورینیکه وظایف و خدمات رسمیه را

در عهده گرفته اند، و اعضاء منتخب و منصوب جمیع

مجالس رسمیه، و کسانیکیه از احاد و ناسن حکم و اهل خبر بود

با یک وظیفه رسمیه مکلف هستند، و وکیل های دعوی،

برای نکردن چیزیکه نظاماً و قانوناً بکردن آن مجوز و یا برآ

کردن چیزیکه نظاماً و قانوناً بر آن مجبور نیستند، یوان یا اشیاکیه

بنام هدیه بگیرند، و یا سایر منافعیکیه به اینصورت برای خود

تأمین نمایند، و فرق فاحشی که درین قیمت تحقیقه و

وثن مسامی اموال و املاکیکیه براساس همین مقصد خواه

کم یا زیاد به بیع و شرا شوند، گرفته میشود رشوت است.

(۵۶) — یک مأموریکه بفرض باطل گردانیدن یک حق رشوت بگیرد

سه چند مقداریکه رشوت گرفته است از وی تقسیم چرا

نقدی است و اگر دیده از سه سال تا پنجاه سال

در این باب هیچ حکمی نیست

(۵۷) :- هرگاه رشوت تنها برای وعده کردن و یا نکردن کدام کار

گرفته شده بطلان حق بعمل نیامده باشد [سه چند مقدار

رشوت از وی استرداد گردیده از دو سال تا سه سال حبس شش ماه]

(۵۸) :- راشی یعنی رشوت دهنده بصورت اقل رشوتیکه داده

است بقسم جزای نقدی از وی ضبط گردیده علاوه بر آن

[از یک سال تا سه سال حبس] .

و نظر بصورت ثانی [تنها همان رشوتیکه داده است بقسم

جزای نقدی او بخرمینه دولت میرسد] .

(۵۹) :- اگر هنوز رشوت داده و گرفته نشده باشد، و تنها در باره اخذ

و اعطای آن یک گفتگو و یا مقاوله تحریری بعمل آمده باشد [راشی

و مرتشی بصورتیکه در قاعده های بالا ذکر شد جزا می بینند] .

(۶۰) :- هرگاه یک آدم برای محافظه جان و مال و عرض خود،

و امحاصل برای حفظ یک منفعت مشروع خود بر رشوت

دادن مجبور گردد، رشوتیکه داده است واپس بخودش

اعاده میشود، و تنها مرتشی جزا می بیند .

بهرگاه رشوت تنها برای رشوت دهنده باشد

(۶۱) — هرگاه نامور در صورتیکه برایش رشوت تکلیف شود و

آنرا قبول نماید و متعاقباً بدولت خبر دهد و خود شش علناً

از طرف اشرف پادشاهی باینک تحسین نامطیبت

گردیده و راشی جزا می بیند.

(۶۲) — کسیکه بر شوشتادون مجبور شود، و رشوت را بر تشری و

باید در ظرف یک هفته بدولت خبر دهد، هرگاه بدلائل متقنه شود

اثبات نمود شخص مذکور از جزای راشی معاف میشود.

فصل چهارم

(در باب سرقت اموال)

(۶۳) — کسیکه اموال دولت را نقد یا جنایا برسیه و جعل کاوی

خیانت کند، هرگاه نقد باشد ووشل آن چه نقد و اگر جعل باشد

ووشل قیمت همان جنس از نزد شش ستر او گردیده

بخزیره دولت داخل میشود، علاوه بر آن بر اکثر انصاف

شرعی یکجا محبس و از انصاف شرعی الی هزار روپیه از

یکسال الی سه سال حبس، و از هزار روپیه اضافه الی ده هزار
روپیه از سه سال تا ده سال حبس، و اگر اضافه از ده هزار
روپیه باشد از پانزده سال الی پانزده سال حبس مطابق
ماده (۲۳) از ماموریت طرد.

(۶۴) — کسیکه اموال دولت را نقد و یا جنساً سرقت نماید، اگر
مطابق تشکیک القضاة الامانیة حد لازم نشود اضافه از نصف
شروعی الی یکصد روپیه یکسال حبس، از یکصد روپیه اضافه
الی هزار روپیه از دو سال تا سه سال حبس، و از هزار روپیه
الی ده هزار روپیه از پنج سال تا ده سال حبس، اضافه از
ده هزار روپیه از ده سال تا پانزده سال حبس کرده شود
و هرگاه نقد باشد و مثل آن وجه نقد و هرگاه جنس باشد و مثل
قیمت همان جنس زن و مجرم است و اگر دیده بخزان دولت
داخل شود و مطابق ماده (۲۲) از ماموریت طرد و مرده شود
(۶۵) — کسیکه در وقت بیع و شراکت یا بحتاً دولت معاملات خرید و فروش
آن، مستطاباری نموده خود از آن مستفید گردد و قرار قاعد (۶۵) جزا میدهد.

ماده ۶۴ و ۶۵

(۶۶) — اگر مرکبین جرمها نیکه در همین سه قاعده فوق بیان گردیده

بر طرز مت دولت نباشد با وجود آنهم مانند بالا جزای می بیند.

(۶۷) — هرگاه یکی از مامورین دولت حق یک آدمی را که از دولت بگیرد

نداده یک قسم از خودش بگیرد [دو مثل میسه گرفته گی از وی ستروا

گرمیده پنج سال حبس میشود].

هرگاه بواسطه شخص دیگر مرکب این جرم گردد [خود نامو

با مرکب جرم بر طبق فوق جزای میند].

(۶۸) — هرگاه یکی از مامورین دولت، اجرت عمده را که بر کار دولت

منوده است کم بدهد یا هیچ نداده خودش بگیرد [میهه گرفته است از

خودش و مثل آن گرفته میشود یک مثل آن حق اجور عمده بوده با

داوه میشود، و مثل و گیر آن یک قسم چنانسی نقد بخیرینه دولت سپرد

میشود و خودش پنج سال محبوس میماند].

(۶۹) — هرگاه یکی از مامورین دولت رمزانده واردات دولت دست باز

منوده موجب نقصان آن گردد [از ماموریت طرود از کمال الی

سال صحت میشود، و بهمان مقدار نقصان که زده است او از نمودن است آنچه تمام آن گرفته میشود].

نقصان از دست برداری می شود

(۷۰) — هرگاه یکی از مأمورین دولت بکامتنع و مستفاده خود
 سر او یا علناً بالذات و علی طریق المصارف، در خرید
 بعضی اسباب یا اینکه بوزارت و یا اداره او لازم بود
 از طرف دولت در آن خصوص امر داده شده باشد، و یا
 در خرید بعضی اشیای که بحساب دولت خرید میشوند
 و یا فروش چیزی که از طرف دولت برای او سپرده
 میشود، مشارکت و رزیده بود از مأموریت طرد
 و از یکسال تا سه سال حبس.

(۷۱) — اگر در خرید و فروخت این اموال سرکاری اجتر
 و ساطت بگیرد از مأموریت طرد و از یکسال تا سه سال
 حبس.

(۷۲) — مأمورین که برای خود، و یا برای دیگران مپیه سرکار
 برداشت مینمایند از مأموریت طرد و از یکسال تا دو
 سال حبس.

* * *

مأمورین دولت

انقضای مأموریت

فصل پنجم

(کسانی که نفوذ اموریت خود را استعمال بجای نموده)

(و وظیفه امور خود را ایفا نمی نمایند)

(۷۳) — مداخله کردن امور بصورت حیرت انگیز و حق مدعی باید علی

بنابر یک غرض و حمایت، در حضور محاکم شرعی و عدلیه

و اداره [طراز اموریت].

اگر مداخله بصورت رجاء و التماس بوده باشد از دو صید

الی دو نیز از روی پیاز ملتزم جنای نقد می گرفته میشود.

(۷۴) — اگر در نتیجه جبر و حکم [محکم] بناحق یک حکم صادر گردد [امور]

مداخله کننده از اموریتش طرد و از شاه تاسه سال حبس.

هرگاه در نتیجه رجاء و التماس از محکم بغیر حق حکم صادر شود

[علاوه بر آنکه از اموریکه رجاء و التماس نموده جنای نقدی

گرفته شود از دو ماه الی شش ماه بندی هم میباید].

(۷۵) — قاضی یا محکم یا اعضا محلس — مشوره علایق

بر امضا نکردن بر مداخله که جبر او یا التماس او وقوع آمده است.

فصل نهم

(کسانیکه مخمر را می نگینند، و یا اشیای امانت)

(و اوراق رسمی را می دزدند)

(۹۷) :- از طرف مأمورین دولت مهربیکه برای حفظ بعضی اشیای
و یا اوراق و یا کدام محل وضع شده باشند، مهربگان آن مهربان
سبب غفلت و سهل انگاری کییکه بمحافظه آن مأمور است
شکست نمود [از مأموریکه غفلت نموده است از دو صد روپیه
تا یک هزار روپیه جزای نقدی گرفته میشود]

(۹۸) :- کییکه مهربان شکست از [از شش تا یک سال حبس] .
اگر مهربان خود همان مأموریکه بمحافظه آن گماشته شده
شکست از [از یک سال تا سه سال حبس] .
(۹۹) :- علاوه بر شکست شدن مهربان مهربان بعضی اشیای و اوراق
هم دزدی شده باشد [بعد از تاوان اشیاء از
پنج سال تا ده سال حبس] .

مهربان مهربان

(۱۰۰) :- کسانیکه اوراق رسمیه دولت را سرقت و یا محو و اطلاق

نمایند [از یک سال تا دو سال حبس] .
اگر سرقت و یا محو و اطلاق آن از طرف مأموریکه محافظ
آن است بعمل آید [از سه سال تا پنج سال حبس] .
و اگر سرقت و یا محو و اطلاق آن از غفلت و سهیل انگاری
مأموریکه محافظ آن است بوقوع آید [تجاوز بکار به نشیستم
جزای نقدی گرفته میشود. و از یک هفته تا یک ماه حبس] .

(۱۰۱) :- اگر شکسته شدن مهر و سرقت اوراق رسمیه، و

محو و اطلاق آن از طرف بعضی اشخاص بصورت
هجوم بر محافظ آن بعمل آید، هر یک از مجرم کنندگان
[از پنج سال تا ده سال حبس] .

(۱۰۲) :- هرگاه مأمور پوسه خطورسمی و خصوصی که به پوسه خانه او

سپرده میشوند، آنرا بکشاید، و یا در کشادن آن مساعد

نماید [از بیست روپیه تا عدد روپیه جزای نقدی، و از

یک ماه تا سه سال حبس] .

فصل هـ

کسانیکه بی اختیار و ماذونیت، بخودمان

(صفت رسمیه اصنامینمایند)

(۱۰۳) - کسیکه بی صلاحیت و ماذونیت خود را چنان نشان بدهد

که گویا بیک منصب ملکی یا نظامی موبی ده علاوه به ایضا

وظائفیکه بآن منصب عایدست جرات ورزد [از یکماه

تا دو سال حبس]

(۱۰۴) - کسیکه بدون ماذونیت دولت سر بخود حق داری و بجای

کسی را نماید [از یکماه تا یک سال حبس]

(۱۰۵) - کسیکه اموال غیر منقول را که از تردوی حکما گرفته شده و مستحقش

تسلیم کرده باشد، بآنکه ضبط نماید [از یکسال تا دو سال حبس]

(۱۰۶) - کسیکه نشانی را که از طرف حکومت بر او داده نشده بپای ویزد،

و البته رسمیه بالا تر از رتبه خود را بپوشد و یا در حالیکه هیچ رتبه نداشته

باشد لباس رسمی در بپوشد [از یک هفته تا یک ماه حبس]

فصل یازدهم

(کسانیکه سلسله محابرات تلغراف)

(و تلیفون را خراب کنند)

(۱۰۷) :- کسانیکه آلات تلغراف و تلیفون را قصد خراب

نمایند [علاوه بر دو چند قیمت ضرر از سه ماه تا

دو سال حبس]

(۱۰۸) :- کسکه سیم تلیفون و تلغراف را بریده و چوب نای

انرا انداخته موجب تعطیل و تعویق محابرات گردد

[از یک سال تا سه سال حبس، و از پنجاه روپیه الی

دویزار روپیه جزای نقدی] -

(۱۰۹) :- اگر این معامله بریدن و تخریب سیم نای تلیفون

و تلغراف، در اثنا یه یک محاربه و یا اختلال

بوقوع آید [اعدام]

محرر: میرزا حسن

بموجب کلام نظام‌نما و یا فرمان پادشاهی امر شده باشد
 رعایا را ایضا گرفته از آنها کما بگوید [و لاحق اجرت عملیگا
 از وی گرفته بعهده داده میشود، و ثانیاً از شش ماه سال پس
 میشود، و اگر از جمله مأمورین باشد از مأموریت هم طرد میگردد] —
 (۸۹) — هرگاه از ملقبین دولت و یا آدمهای شان، و
 یا منصبداران و سپاهیان نظامی و کوتوالی در خانه
 رعایا و یا بی‌فروکش گردیده مفت و جبراً طعام بخورند
 و یا براسپ خود جو و کاه غیره بگیرند [قیمت شایسته
 گرفته و خورده انداخته و اگر دید ب صاحبانش داده میشود،
 از مأموریت طرد و از یک هفته تا یک ماه حبس] —
 اگر فوج نظامی در اثنای کوچ از یکجا بدیگر حاکم
 اینچنین حرکت گردد [قیمت چیزهایی که گرفته شده باشد تقسیم
 تاوان از منصبدار فوج که با ایشان درین جرم شریک بود
 گرفته میشود، و خود منصبدار در دیوان حرب تحت مجازات
 آمده از خدمت عسکر طرد و از یک سال تا سه سال محبوس میگردد] —

فصل هفتم

(کسانیکه بر مأمورین دولت مخالفت کنند)

(و به آنها بے اطاعتی یا تخفیر نمایند)

(۹۰): — کسیکه مأمورین دولت را در اثنای ایفاء وظیفه شان

و یا در یک امری که متعلق خدمت شان باشد از کدنا

سببی برای شکست دادن قدر و ناموس شان تخفیر کند و یا

در حق شان اطماع لسان بغی زبان درازی نماید و یا

خود تحریف نماید [از یک هفته الی یک ماه حبس].

اگر این معامله در اثنای یک محکمه و یا یک مجلس مشوره

بجا مشغول باشد واقع گردد [از شش ماه تا یک سال حبس

و یا از دو صد الی چهار صد روپیه جزای نقدی].

(۹۱): — کسانیکه سپاهیان و منصبداران نظامی و کو تو الی و پوین

در اثنای وظیفه شان حقارت کنند [از یک هفته الی

یک ماه حبس، و از بدیت روپیه دو صد روپیه جزای نقدی].

اگر در اثنای این حقارت سلاح بهم کشیده شود،

مجموعه کتب خطی
۱۰۰
۱۱۸

انفکال کتب خطی

بکمال حبس

(۹۲) : کسانی که یکی از مأمورین یا از سپاهیان منصبداران نظامی
و که توانی و پولیس را در اثنای ایفای وظیفه و یا بخاطر
وظیفه نشان که ایفا نمائند، ضرب جرح و یا اینکه جرح نشد
نمایند [علاوه بر جزای سنگین ضرب جرح، از یک سال تا سه سال حبس]

فصل هشتم

(کسانی که مجبوس را میگیرند و یا از باب جنایت)

(میدانند و حمایت مینمایند)

هرگاه از پیش سپاهی یا منصبدار نظامی و پولیس که بر محافظه
یک مجبوس مأمور باشند بسبب غفلت و بی پروائی
مجبوس بگیرند و نظر بد رجالت اهمال و غفلت شان
اگر مجبوس محکوم با اعلام باشد [از هشت تا ده سال حبس]
و در باقی آن از رابع تا ثلث ميعاد حبس مقرر مجبوس
پوره میکنند.

اینکایان را

و اگر مجوس مذکور را قصد بگیریزانند [هرگاه مجوس باعدا
 محکوم باشد پانزده سال حبس و پیاپی ترازان نصف مدت
 محکومیت مجوس را جزای حبس معینید].
 و هرگاه مجوس هنوز محکوم علیه نگردد دیده باشد و در بار
 او حکم محکمه صادر نشده باشد و قصد او را بگیریزانند [از
 سه تا چهار سال حبس].

(۹۴) - هرگاه یکی از رعایا اسبابی را که فرار مجوسین را تسهیل نماید
 تهیه و تدارک کند [از یک سال تا سه سال حبس]
 (۹۵) - کسانی که برای تسهیل فرار مجوسین برای شان سلاح
 و سایر تدارک نمایند [از ده سال تا پانزده سال

حبس]

(۹۶) - کسانی که یک بندی فراری و یا شخص متهم بالجنايت راشنا
 حمایت بنمایند [از یک سال تا سه سال حبس].
 و خولیاوندانش را اصول و فروع از قبیل پدر و مادر و ازواج
 و اولاد شخص مذکور از مجازات معاف میباشند.

در هرگاه مجوس باعدا
 محکوم باشد پانزده سال حبس

فصل ششم

(تقدیمی مأمورین دولت پر عایا)

(۸۲) — هرگاه یکی از مأمورین برای اعتراف کنایند چرم

بریک شخص مظنون یا متهم با ذیبت و شکنجہ او امر نماید
و یا خود بالذات اجراء دارد از مأموریت برائے

طرد، استرداد رتبه و نشان، حبس ده سال.

اگر آدم شکنجہ شده از صدمه اشکنجہ و فوات یا بد

[کسیکه اشکنجہ او را مرده است جز اقاتل را می بیند]

(۸۳) — هرگاه یکی از مأمورین در حق یک مجبوس از طرزه مجازات

قانون تعیین نموده است، بالاتر و سنگین تر آنرا اجراء نماید

دیا اجراء آنرا بدیگر می بفرماید [از یک سال

تا سه سال حبس].

(۸۴) — هرگاه یک مأمور مخالف طریقه آنرا قانون نشان داده است

بخانه یکی از رعایا داخل شود [از سه تا سه سال حبس].

اگر هم در خانه داخل شود، و هم بخانه پدر خود به اجراء

جستجو و تقیض قیام و اقدام نماید [از یک سال تا سه سال].
 (۱۵) — اگر غیر از نامورین یک آدم دیگر در خانه یک کسی بی آنکه
 خانه خودش باشد، جبراً او یا نحو تهدید یا تخویفاً، و یا آنکه
 خفیتاً داخل شود [از یک ماه الی یک سال حبس].
 (۱۶) — هرگاه یکی از نامورین مال و ملک یکی از رعایا را جبراً اشتغال
 و یا به او عاقبتی معنی ضبط کند و یا بفروشد مال و ملکیکه
 گرفته شده دوباره بصاحبش عیناً و یا بدلاً اعاده
 خود نامور طرد و ارزشش ماه تا سه سال حبس].
 (۱۷) — اگر یکی از نامورین دولت، از رعایا زیاده از محال
 دولت یکی چیز اضافتانی نموده آنرا در کیسه خود
 بریزد [علاوه بر استرداد و چند مقدار یک گرفته است
 از دو سال الی سه سال حبس].
 هرگاه خودش گرفته و مبلغ اضافه را بخرید دولت
 تحویل نماید [همان مبلغ از خود او گرفته بصاحبش داده میشود].
 (۱۸) — هرگاه یک نامور یا یک رئیس سرکرده ای غیر از خدمتیه

استقلال حاصل نماید

می باید که احوال آنرا نیز بدولت اطلاع و اخبار نمایند
والا اگر در یکی ازین دو امر فرو گذاشت نموده بودند
[عزل از ماموریت]

(۷۶) — رئیس مجلس و قاضی و محکم که نیکه معامله
از روی جبر و التماس شنیده اجرا کرده باشند
[شش سال طرد از ماموریت و یک سال حبس]

و اعضاء آن [تنها شش سال طرد از ماموریت]
(۷۷) — اگر یک مورد اجرا نکردن یکی از اوامر قوانین و
نظامات دولت، و یا برای تحصیل شدن اموال دولت
صرف نفوذ نمایند [از سه سال تا پنج سال حبس]

(۷۸) — اگر کسی نیکه یا بنطریق صرف نفوذ نمایند از مامورین
دولت نباشند [از دو سال تا سه سال حبس]

(۷۹) — هرگاه کدام وزیر و یا نائب الحکومه، و یا حاکم علی ایالت
و علاقه دار مستوفی و سر رشته دار، و قاضی و مأمور
مالیه، و مدیران تجارت و زراعت و گمرک در داخل
منطقه ماموریت خود، تجارت خرید و فروخت ارزاق
در دست خود گرفته بالذات اجرا نماید، این تجارت

انقضای ماموریت

خواه علنی باشد یا سری [از اموالیت طرح میشود و چیز
 الی بسیت هزار روپیه جزای نقدی میدهد] فقط در
 جای که هست اگر از خود مالک و اراضی اشته باشد تجارت
 محصولات زمین یا خودش ازین قاعده مستثنی میباشد.
 (۱۰۰) — هرگاه ماموریکه بلاعذر معقول، فرمانها و امرنامه هاییکه
 دولت نشر نموده باشد نشر ننماید [طرد از اموالیت].
 (۱۰۱) — هرگاه یک مامور بلاسبب مقبول و رایفا و طیفه خود غفلت
 و اجمال و زرزدی یا امری را که از طرف امرش موافق احکام
 قانونیه داده شده باشد اجرا ننماید، اگر ازین عدم اجرا برای
 دولت یک ضرر برسد، نظر بدربجه ضرر [از پنجصد روپیه
 تا ده هزار روپیه جزای نقدی]. و هرگاه از آن بسیت
 دولت یک ضرر برسد از [دو سال تا سه سال حبس].
 و اگر از آن برای یکی از رعایا یک ضرر مالی رسید علماً
 بر جزای فوق [تا دوان همان ضرر از او] و نیز
 گرفته شود.

فصل دوازدهم

(قلب چلا نہا)

(۱۱۰)۔ کسیکے مسکوکات قلب میا زند، و قلب چلا نے

میکند [ازدہ تا پانزدہ سال حبس]۔

(۱۱۱)۔ کسیکے پیہ قلب نادانستہ داد و ستد مینا یند پیچ مستحق

جزا نمیشوند، فقط بعد از آنکہ قلب شناسی را آموختہ باز

بچلانید ان کوشش ورزند [از بیست روپیہ تا صد روپیہ

بجرائے نقد می محکوم میشوند]۔

—•••••—

فصل سیزدهم

(کسانیکے سند یا مہر ساختگی مے سازند)

(۱۱۲)۔ کسیکے فرما ہنیا بادشاہی مہر یا حکومت مہر یا امضاء یا نمونہ

دولت، وادراوسناریکیہ تعلق بدقر یا باشد، تقلید و تحریف

نمودہ استعمال کنند [مہر گاہ از ان منفعت حاصل گردد]

کتاب قوانین و مقررات
مجلس شورای ملی
جلد اول
صفحه ۱۰۰

دو چند همان مقدار از روی جزای نقدی گرفته شده،

از ده سال تا پانزده سال حبس]

هرگاه از فرمان ساختگی پادشاهی بدولت بفرستد [اعلام]
کسانیکو اینگونه اوراق ساختگی و محرف را بدست آورد

استعمال نمایند [از پنج سال تا ده سال حبس]

(۱۱۳) هرگاه یکی از مأمورین خواه در میان سطرهای اعلام

و فیصله آراء و سندات و سایر سجلات دفاتر که در

اثنا ایفا و طیفه خود مینویسند، یا بتغییر خط و

تأتم و امضا و یاد صورت نوشتن اسم یک شخص بخواهد

شخص دیگر تحریفات نموده اینگونه ساخته کاری نمایند

[از ده سال تا پانزده سال حبس]

(۱۱۴) هرگاه یک مأمور در اثنا ایفا و طیفه خود، در وقت

نوشتن اوراق رسمیه که تنظیم میکند، یک چیز را

که یک آدم گفته است بقسم گفتگی ادرا و چیز را که

گفته باشد برعکس آن نوشته بدینصورت ساختکاری نماید

ایضا

[از ده سال تا پانزده سال حبس].

(۱۱۵) بر ریسهای مجلس و قاضیهای محکمه که اوراق ساختگی و قاعدتها
فوق الذکر را دانسته در موقع اجرا بگذارند [از ده سال تا پانزده سال
حبس].

(۱۱۶) کسانی که با اداره های گمرک بیان نامه و بچکهای ساختگی و مخرف
و خلاف حقیقت را ابراز نمایند [از یک هفته تا یک ماه حبس]
و از دو صد روپیه تا دو هزار روپیه جزای نقدی].
(۱۱۷) کسانی که خواه برای خلاص کردن خود یا دیگران از خدمت
دولت بنام طبیب یا شهادتنامه ساختگی بسازند [از
یک سال تا سه سال حبس].

(۱۱۸) همچنان طبیبها و جراحهایی که خواه مبنی بر شروت و خواه بنا بر خاطر و
التماس برای رانیدن یک آدم از خدمت دولت شهادتنامه
کاذب بدهند [از یک سال تا سه سال حبس].

(۱۱۹) کسانی که بنا بر دانی و ناشناسی چیزهای ساختگی و تقلیدی را
استعمال میکنند [از جزا معاف هستند].

فصل چهارم آتش زندگان

(۱۲۰) :- هرگاه یک آدم در داخل شهر و قریه بخانه کسی قصد آتش زدن باعث سرایت کردن آن به بناهای دیگر گردد، حریق و سوختگی که بدین صورت ظهور کند فاعل آن [اعدام] است.
و اگر از بناخانه به خانه های دیگر سرایت نکند [حبس دوم] است.
و اگر چه سرایت نکند و موجب تلف نفسی از بناخانه گردد [اعدام] است.

(۱۲۱) :- یکسانیکه خواه در داخل شهر و خواه خارج شهر در وقوع یا فتنه تشبث بنماید، و الاکن به فعل آورده نتواند از پنج سال تا به ده سال حبس [است].

(۱۲۲) :- کسیکه چوبهای بریده و محصولات دروید را مانند خرمن و غیره آتش بدید [بعد از] تاوان به صاحبش از سه سال تا پنج سال حبس [است].

در آتش زدن بناخانه
و در آتش زدن چوبها
و در آتش زدن محصولات
در وید

(۱۲۳) - هرگاه حرقی که قصد از طرف آتش زندگان بوقوع آید موجب
وفات انسانها گردد [شر را بگیران اعدام میشوند].
(۱۲۴) - کسیکه یک آدم بآتش زندان امر و اجبار نماید، اگر
آتش زده گی بوقوع نیاید [شخص جازا بر سه سال تا پنج سال محبس]

فصل پانزدهم

(در خصوص شراب)

(۱۲۵) - در افغانستان ساختن شراب و استعمال و ادخال
و مسکرات دیگر به ملکیت بالکلیه ممنوع است، مگر حرس
و بنک که از محصولات افغانستان است، تنها استعمال
و خرید و فروش آن برای استعمال در داخل ممنوع
است، اعمال و اخراج آن به ممالک خارجیه
(۱۲۶) - کسیکه علناً شراب نوشی نماید
[هشتاد و سه ضرب می شوند، و بی درّه
و ده روپیه جزای نقدی].

جایزه عمومی محال نیست

(۱۲۷) یکسانیکه خفیتا شراب نوشی نموده، باز آتار بیا نیت یعنی از
قراین و استدلالات خفیتا شراب نوشی شان بقرار شرع
ثابت گردد [هشتاد و نهم ضرب میشوند، و فی دوره (۱۰) رپیه
جزای نقدی می‌باشد].

(۱۲۸) یکسانیکه شراب ب دیگران می‌فروشدند [هزار و پیمه جزا
نقدی و سه سال حبس می‌باشد].

(۱۲۹) یکسانی که شراب سازی نمایند بعد از اتمام شرابشان
[هزار و پیمه جزای نقدی و سه سال حبس می‌باشد].

(۱۳۰) یکسانیکه از خارج شراب با افغانستان ادخال نمایند [شراب آنها را
و بقدر نصف قیمت شراب از آنها جریمه گرفته شود، و ناسه سال حبس
همه قواعد این فصل خاص بایم اسلام و تبعه افغانیه عاید است فقط
در باره تبعه افغانیه کسی که برای تجارت با افغانستان شراب را داخل کند
و یا به افغانها بفروشد بموجب قاعده های فوق مجرم می‌باشد].

(۱۳۱) یکسانی که چرس و بنگ می‌کشند و یا تریاک می‌خورند، هرگاه سن
شان از (۲۵) کم باشد از [۲۵ تا ۳۹]

عزیز، عزیز، عزیز
تقدیر و تقدیر
تقدیر و تقدیر
تقدیر و تقدیر

دوره جزای ضرب: [۵۰ تا ۶۰]

و هرگاه زیاده تر از (۲۵) باشد و نوعاً و ت کند [از ۵۰ تا

۷۵ دوره جزای ضرب]

برای کسانی که از سابق گرفتار چرس و بنک باشند تا دو سال

معاف، بعد از دو سال [از ۵۰ دوره الی ۷۵ دوره ضرب]

برای ترکین علی [نصحت مؤثره]

فصل شانزدهم

(کسانی که بازنگری بازی میکنند و یا مانند آنجا)

(مخالفت اخلاق و اوایع مینمایند)

(۱۳۲) کسانی که علناً و یا خفیه بازنگری بازی کنند [شش ماه

حبس، و از چهار صد الی پنج صد روپیه جزای نقدی]

(۱۳۳) کسانی که علناً و یا خفیه بازنگری کنند [یک سال حبس]

(۱۳۴) هرگاه پدر و اقربای یک بچه در پیش رو خود بهای بچه را برقصید

مساعده نمایند [دو صد روپیه جزای نقدی]

(۱۳۵) بربای هر دسته بازنگری نفر [ده روپیه جریمه]

علاوه بر این جزای نقدی
از هرگاه که در این
تصویر مشاهده شود
از هرگاه که در این
تصویر مشاهده شود

باب دوم

فصل اول

(جنایت و یا بجنه نانی که در حق اشخاص بمقتوع میرسد)

(۱۳۶) در مسائل قتل و جرح بر تفصیلات احکام قصاص و دیت قاضی

باید که به کتاب تمتک القضاء الامانیة مراجعهت بکند.

(۱۳۷) به قتل عمد - قتل عمد قلی است که با استعمال آله قاتله قصداً

حادث شود، چون سلاح و باتی اسباب کشتنی.

قتل شبه عمد - قلیست که بغیر سلاح و آلات کشتنی بمقتصد

اتلاف حادث شود.

(۱۳۸) به هرگاه شخصی شخص دیگر را بصورت عمد قتل نماید

[قصاص].

(۱۳۹) به هرگاه فاعل قتل عمد نامعلوم باشد [دیت از قاتله

گرفته میشود].

(۱۴۰) به هرگاه قاتل بر فعل قتل عمد اقرار باشد و ورثه مقتول او را

عفو نمایند [ده سال حبس].

(۱۴۱) - هرگاه تنها یک نفر از ورثه مقتول قاتل را بر فعل قتل عمار قرار

نکرده عفو نماید، بعد از دیت [پنج سال حبس].

(۱۴۲) - و اگر سبب قومداری و لحاظ پیوسته قاتل از طرف ورثه مقتول

عفو شود [همه حال از طرف دولت حکم قتل در باره اش در معرض

گذاشته میشود].

و اگر اولیا مقتول با قاتل و مقتول قرابت پدر و مادر و برادر و خوا

داشته باشند و قاتل را عفو کنند ازین حکم مستثنی است.

(۱۴۳) - هرگاه یکی از ارباب جنایت و شقاوت مستمره بر اعمل آوردن

جنایت عظیم مردمان دیگر یا خدرا نه اشکنجه و یا اذیت نماید یا شا

بجزای قاتل محکوم میشود.

(۱۴۴) - هرگاه شخصی بصورت شبهه کسی را بقتل رسانید [دیت شش

ماه]؛ هرگاه شبهه عمد مکرر شد [سیا شا اعدام].

(۱۴۵) - هرگاه دیت شرعی داده نتواند بعضی را بر پرو دیت [پنج سال

حبس]؛ و اگر ورثه مقتول دیت را عفو کنند [یا سه نیم هزار پیو و یا سه نیم سال

عفو نماید
هرگاه دیت شرعی داده نتواند
بعضی را بر پرو دیت
پنج سال حبس

(۱۴۸) - و اگر غفود در حق یک قومدار و او لشکر باشد [یا پنجه ارپه و یا پنجه خیال] حبس.

(۱۴۹) - یکیکه جسد یک مقتول را خفا نماید و یا بی آنکه بکومت خبر دهد و

کند [از یکماه تا یکسال حبس].

(۱۵۰) - هرگاه شخصی شخص دیگر را الت و کوب یا جرح نمود و موجب قطع

شکستن سقوط عمل یعنی از کار برآمدن یکی از اعضایش گردد

علاوه بر دیت شرعی در صورت عمار از [دو سال الی سه سال حبس]

و از غیر عمار از یکسال الی دو سال حبس] میشود.

(۱۵۱) - شخصی که شخصی دیگر را الت و کوب یا مجروح نموده زیاد و از نیت

روز موجب از کار پس ماندن او گردد، اگر بمطابق احکام

تمسک القضاة الامانیة قصاص و یا دیت لازم نباشد

بعد از ادای اجز طیب و مرهم بجا [از

یکسال تا دو سال حبس].

(۱۵۲) - اگر مضروب و یا مجروح کم از اندازه که در قاعده

فوق بیان شد متاثر و معطل گردد شخص زنده

و جرح کننده اگر بمطابق احکام تمسک القضاة الامانیة

دیت و یا قصاص لازم نشود بعد از مریم بها [از یک هفته تا یک ماه حبس]
 (۱۵۳) کسیکه محض بغرض تخویف و تهدید سلاح بکشد [از یک ماه تا سه ماه حبس]
 (۱۵۴) کسیکه از آبا و اجداد و اقهار خود یکی را ضرب و جرح نماید هرگاه
 ضرب و جرح موجب یک بیماری و مرض نگردد [از شش تا یک سال حبس]
 و اگر زیاده از بیست روز موجب بیماری گردد [از یک ماه تا دو سال حبس]
 و اگر سبب سقوط یکی از اعضا شده علاوه بر دیت شرعی و قصاص
 [از سه سال الی پنج سال حبس].

(۱۵۵) کسیکه بمقصد قتل و اسلح نمود [پنج سال حبس] م
 (۱۵۶) کسیکه خطا سبب تلف یک آدم گردد، اگر کیفیت قتل از عدم
 دقت و یا عدم رعایت بنظمات صادر گردیده باشد
 [بعد از دیت شرعی از شش ماه تا یک سال حبس].
 (۱۵۷) هرگاه شخصی خطا، شخص دیگر را مجروح بساند [بعد از دیت
 شرعی که آذ نماید اگر کیفیت جرح از عدم رعایت بنظمات
 پیش آمده باشد از یک ماه تا شش ماه حبس].
 (۱۵۸) هرگاه یک شخص به امر یک آمر جابر شخصی را جبراً و کراً قتل کند

و یا ضرب و جرح نماید، جزاے قاتل و ضارب و جارج در حق

آمرش اجرا میشود .

(۱۵۹) هرگاه کسی در هنگام شب و یا روز شخصی را ببیند که بجانہ دیا
بدکانے نزدیکان گذاشته می برآید و قتل یا زلفی که در زیر قتل
است آنرا میکشد و میشکند و یا دیوار یکانه مسکون را سوراخ
و یا دروازه اش را لنگ میکند، و یا در صحرا و دشت مال را
جیرا گرفتن بخوابد و بغرض بازداشتن و مانعت، صاحب خانه
و یا صاحب مال شخص مرتکب راقتل و جرح نماید، و بغیر قتل
و جرح امکان نداشته باشد قاتل و جارج شخص مذکور از
جزاے قاتل و جارج بکلی معاف دانسته میشود .

(۱۶۰) کسیکه در خانه خود مردیگانه را با حرم خود دیده او را بقتل

رساند نیز از جزا معاف دانسته میشود .

(۱۶۱) شخصی که نامه تهدید قتل بفرستد بدین مضمون که در صورت عدم ایفا

مطلوبات خود او را محو و اعدام خواهند نمود [از سه سال تا پنج سال حبس] .

اگر تهدید شفا با وقوع آید [از سه ماه تا یک سال حبس] .

در قتل و جرح

فصل دوم

(جمله و جنایاتیکه متعلق باسقاط جنین هستند !)

(۱۶۲) زنیکه به استعمال وسایط مخصوصه، و یا از طرف دیگری

به استعمال آن رضاداده موجب اسقاط جنین خود گردد [علاوه

برتاوان شرعی دو صدر و پویه جزای نقدی و ششماه تا یکسال حبس]

(۱۶۳) کسیکه برضای یکزن تدارک وسایط مخصوصه نموده جنینش را

اسقاط نماید [علاوه برتاوان شرعی دو صدر و پویه جزا

نقدی، و از یکسال تا دو سال حبس].

(۱۶۴) هرگاه درین اثنا حامله وفات گردد مستقطب جنین [علاوه بر

تاوان شرعی از پنجسال تا ده سال حبس].

(۱۶۵) در صورتیکه بدون رضای زن وسایط مخصوصه استعمال

کرده شود، و یا افعالی مانند ضرب و خراج موجب سقط جنین

گردد، فاعل [علاوه برتاوان شرعی از پنجسال تا ده سال حبس]

(۱۶۶) اگر در اثنا اینگونه اسقاط جنین زن وفات نماید [علاوه بر

تاوان شرعی پانزده سال حبس].

کتاب قوانین مجرای
قانون مجرای
کتاب قوانین مجرای

(۱۶۷) هرگاه اینچنین جنایت با رایک طیب یا قابلہ اجرا نماید [علا]
بر جزائیکه در قاعده ما پنجگانه معین است در حکم هر قاعده که
داخل باشد مقدار جزای قاعده مذکور یک بر یکینیم علاوه بشود.

فصل ستوم

(کساینکه بتک عرض نمایند)

(۱۶۸) هرکس که بایک بچه فعل شنیع اجرا نماید [اعدام].

(۱۶۹) اگر مفعول کمتر از ده سال باشد [از جزا معاف].

و اگر کمتر از پانزده سال باشد [۱۱ دره]

و اگر عمر مفعول زیاد از پانزده سال باشد و بجز فعل شنیع و حق او نباشد [از جزا معاف].

(۱۷۰) اگر مفعول عمرش زیاده از پانزده سال بوده برضا و

رغبت خود بفعل شنیع تن داده باشد [اعدام].

امرد نیز در صورت رضا از ده دره الی پانزده دره ضرب و از

دو صد روپیه الی سه صد روپیه جزای نقدی.

(۱۷۱) اگر کسی برای بچه بازی بچه نگاه کند [از هزار روپیه الی پنجاه روپیه

جزای نقدی و پنج سال حبس].

در هر یک از این موارد
در صورت رضای مفعول
و رغبت خود

(۱۷۲) اگر کسی در حق دختر خانه باکره که هنوز شوهر نرسیده باشد

فعل شنیع اجرا کند، هرگاه زانی محسن و عیالدار باشد [اعدام]

و هرگاه محسن و عیالدار نشده باشد: زانی { صد دره

(۱۷۳) هرگاه یک مرد محسن بایک زن محسنه برضای جانبین فعل

شنیع اجرا نماید: زانی { اعدام

(۱۷۴) اگر یک مرد غیر محسن بایک زنیکه شوهرش عسکری باشد

و در مقابل دشمن بجای ربه است: زانی { اعدام

(۱۷۵) اگر کسی یک زن شوهردار که شوهرش خواه در سفر و خواه

در حضر و خواه زن عسکری و خواه از امانی باشد بطور جبر

و یا حیلہ بگیریزاند [۷۹ دره ضرب و ده سال حبس] -

در صورت جبر و حیلہ زن شوهردار از جزا معاف، و در صورت

رضایه جزای مذکور گرفتار میشوند.

(۱۷۶) اگر کسی یک زن بیوه را و یا یک دختر خانه را بطور جبر و یا

حیلہ بگیریزاند [۳۹ دره ضرب و سه سال حبس میشود] -

(۱۷۷) اگر یک مرد زن یک عسکر را بگیریزاند، هرگاه شوهرش

در صورت جبر و حیلہ زن شوهردار از جزا معاف، و در صورت رضایه جزای مذکور گرفتار میشوند.

دیگرگاه حاضر باشد [۳۹ دره].

(۱۷۸) هرگاه شخص محصن با یک زن محصنه فعل شنیع اجرا نماید،

زانی [صدوره]

زائنه [اعدام] .

(۱۷۹) هرگاه یک شخص غیر محصن با یک زن غیر محصنه زنا کند :

زانی { (صد دره) .
زانیه

(۱۸۰) اگر کسی از طریقین در ارتکاب فعل شنیع جبراً مجبور شد

باشد [مجبور از جزا معاف دانسته میشود] .

✱

*

جزا در ۵۰۰ نفوس

فصل چهارم

(شادی دروغ و قسم ناحق)

(۱۸۱) کسانی که در طرفداری و یا مخالفت یک شخص که بقواعد متعلق

جانیات متهم گردید باشد شادی ناحق بزند [۳۹ دره و تشریر]

(۱۸۲) کسانی که در طرفداری و یا مخالفت متهم خنجر و قیاحت شادی

ناحق بزنند [۳۱ دره و تشریر]

کسانی که متعلق مسائل حقوقیه شادی دروغ و یا قسم ناحق بخورند

[علاوه بر مقدار نقصانی که بصاحب حق رسیده، ۳۹ دره و

تشریر]

فصل پنجم

(بهتان و افترا)

(۱۸۳) هر کسی که بقوه اجرائیه و یا بقوه علییه و یا بیک مأموریکه

واسطه رسانیدن کیفیت است، باین دو قوه اخبار نامه

و یا شکایت نامه داده بیک شخصیکه بیگانه می باشد

یا از برابر غرض بیک مأموریکه یک گناه را اسناد

در متعلق بهتان و افترا

و یا خود در مخالفت آن شخص آثار دلائل مادیه بسازد:

هرگاه جرم اسناد کرده کی از نوع قباح

باشد، مقری [از یک ماه الی شش ماه

حبس]

هرگاه جرم اسناد کرده کی از نوع فجیه باشد، مقری

[از شش ماه تا دو سال حبس].

هرگاه از نوع جنایت بوده و شخص اقرا شده از سبب

آن توقیف گردیده باشد [از پنج سال تا ده سال حبس].

هرگاه از نوع جنایت بوده و مقری علیه توقیف نشده

باشد [از دو سال تا سه سال حبس].

(۱۸۴) هرگاه شخصی برخلاف شخص دیگر قذف یعنی جرم اسناد

زنا را ارتکاب کند،

قازف بر طبق فصل مخصوص تسک القضاة الامانیه،

[۸۰ دره ضرب میشود].

(۱۸۵) هر کسی که برخلاف دیگر بی تعین یک جرم مخصوص

در حکم اسناد

و یا به بیان کزن یک ماده مخصوصه که تشکیل جسم نماید، مردمان را
مقتضای خصوصیت خود معروض داشته و یا را با سناداتیکه موجب

کسب این اعتبار باشد رقم کند [از دو ماه تا یک سال مجلس].

(۱۸۶۲) — برای اینکه رقم مذکور مستلزم جزا باشد، واقع گردیدن

آن یکی از صورتها یکی که در ذیل نشان داده شده بشرط است:

اولاً: در مواجبه متجاوز علیه یک مجلس و یا در یکی قعیکه

دیگر اشخاص شنیده بتوانند علنی باشد.

ثانیاً: باید در غیاب متجاوز علیه، و لاکن با یک چند اشخاص

جمع و یا متفرق اختلاط کرده اجرا شود.

ثالثاً: باید بصورت رقم و نوشته و قاریتاً تور که بر عموم نشر

و تشهیر میگردد، و یا بر بعضی مردمان توزیع گردیده باشد

و یا مکتوب کشاده که بر او رست به متجاوز علیه رسیده

شده باشد و یا به اسطر و رقه پوست وقوع یافته باشد.

رابعاً: باید با هر رقم مزایده و سایل یومیه و موقته،

و هر نوع مضبوط عادت و وسایط تشهیر واقع شود.

توضیح: در صورتیکه
در مجلس و یا در غیاب
مجتاز علیه، و لاکن با
یک چند اشخاص جمع
و یا متفرق اختلاط
کرده اجرا شود.

۱۸۱) — هرگاه برخلاف شخصیکه با ذم و چار تجاوزه گردیده است
از سبب ماده که موضوع ذم است تعقیبات قانونیه در اشخاص
و متحقق نشود که متجاوز زیگناهی شخصی را که بوی تعرض واقع
گردیده، و نیست در صدد عیب و ستم است نادانست بادت
آن زمان ذم بابترا منقلب گردیده مطابق قاعده که در بار
افتراست حکم داده میشود بر آن شخصیکه از کتاب بزم ذم و انوار
و باره برایت وقته خود اثبات صحت و یا شهرت فعیکه
بر متجاوز علیه اسناد نموده بجا بیاورن و عایش قبول نمیشود.

(۱۷۸) - هر کسی که بدو تعیین کردیم مادی مخصوصه یکی صورت
دیگر بر ناموس و یا شهرت، و یا حیثیت یک شخص دیگر
ترک فعل (قدح) گردد از یکجا تا شششماره مجلس ملتبه
و یا در مقابل این جزای مجلس از عود و پیدای او نیز از آن
جزای نقدی میدهد.]

جزم (قدح) نیز یکی از صورت های چهارگانه که در باره
 دوم ذکر شد لازم است که بوضع بیاید. فاعل قدح بر کلمات

گرون چیزهای را که اسناد کرده است و عاقلانه سمع و نبیشت
 (۱۸۹) :- هرگاه بدون نوم و قیج یکی بر خلاف دیگر بگوید اطلاع لسان
 نماید، و یا بیک اشارت مخصوصه اجزاء حقارت نماید
 حقارت کند (از پانزده روز تا یک ماه) و یا در مقابل
 این جلس از پنجاه روپیه تا صد روپیه جزای نقدی میدهد.
 (۱۹۰) :- اطلب و جزا حان و عطاران و قباله ها اسرار شخصی را که
 باقتضای صنعت شان بآنها سپرده میشوند در
 غیر احوالیکه قانوناً به اخبار آن مجبورند اقتضای نماید
 [از بیست و چهار ساعت الی یک هفته] و از
 ده روپیه الی چهل روپیه جزای نقدی.

فصل ششم

(سرقت کنندگان و دزدان)

(۱۹۱) :- هرگاه از میان پو و نفویا یا زاده از آن شهرها یک نفرشان
 مسلح بوده در اثنای شب دیوار یک خانه و یا دکانیکه

مجلس شورای عالی

و رآن انسان اقامت میبوزد شکافته، و یا آنکه قفل آزاد
شکستاده، و یا خود نویشتن را مانند امور برین است نشانده
و یا یک امر ساخته گی که از یک آمده و است گرفته باشد
ابرا از نموده بدرون داخل شده و آنجا جبر و شدت نموده
وزدی کنند، اگر بمطابق تمسک القضاة الالمانیه
حد لازم نشود [بعد از آن] هر یک از افراد و ان جیس و و ام [۱۹۲]
هرگاه دو کس یا زیاده بر آن بیک خانه در آمده با جبر علیه جبر
و شدت کرده و کنند، اگر بمطابق تمسک القضاة الالمانیه
حد لازم نشود، هر یک از افراد و ان: (از ده سال تا نوزده سال عیس یا
اگر در آن سبب معامله جبر و شدت یک آدم را مجروح
سازند [اگر بمطابق تمسک القضاة الالمانیه حد و چیز لازم
نشود، بعد از آن] جیس و و ام [۱۹۳]
(۱۹۳) - هرگاه در یک خانه که کس اقامت نداشته باشد،
بصورتیکه در دو قاعده فوق بیان شد داخل گردیده
وزدی کنند، اگر بمطابق تمسک القضاة الالمانیه

حد لازم نشود، [بعد از تاوان از پنج سال تا ده سال

حبس].

(۱۹۴) - هرگاه هنگام شب یکچند نفر کجا شده در راه عام دزدی نمایند

اگر بمطابق تمسک القضاة الامانیة حد لازم نیاید (دوازده

سال حبس).

(۱۹۵) - کسیکه بغیر از همین چند صورت نامیکه در قاعده مافوق بیان گردیده

بیست رقم دیگر دزدی کنند، عموماً اگر بمطابق تمسک القضاة

الامانیة حد لازم نشود [بعد از تاوان] (از یک سال تا سه سال حبس).

(۱۹۶) - هرگاه عراده پی تاو کر ایه کش یا اشیای را که حمل نقل

مینمایند دزدی کنند، بعد از تاوان شرعی (از یک سال

تا سه سال حبس).

(۱۹۷) - هر کسیکه اسب یا سایر حیوانات سوار و باری و عراده و مانند آن

و ماده گا و حیواناتی را بدزدد، اگر بمطابق تمسک القضاة

الامانیة حد لازم نشود [بعد از تاوان از یک سال تا سه سال حبس].

(۱۹۸) - هر کسی که آلاسته واد و استه را رعیت اینر میکره بر آ

فرایم و خسار گرویده باشند، و چوب تعمیر و بنای خاکی و گشتکار
 فرود و تاور و ده را بزرود، اگر مطابق تمسک القضاة الاثبات
 حد لازم نشود (بعد از تاوان از سه تا یک سال حبس).
 (۱۹۹) هر کسی که یک کلید را تقلید کند، و یا یک رقم آرد که
 لفظ را بکشد یا بسازد (از سه تا یک سال حبس).
 (۲۰۰) هر کسی که چیزی از دست شخصی یک حجت نقدی و
 قرض را بگیرد (از پنج سال تا ده سال حبس).

فصل پنجم

(کسانی که در امانت خیانت کنند)

(۲۰۱) - کسی که یک کودک را بیک چیز رضای قانع گزیند
 بیکه از دست وی سند وین یعنی حجت یا خود کلام
 و رقه ابراد تعهد را بگیرد (هرگاه بکودک نقصان رسیده
 باشد تاوان آنرا میدهد و علاوه بر آن ربع مقدار
 خسارت بقسم جزای نقدی از وی گرفته میشود،

و بهم از ششماه تا دو سال حبس میماند.

(۲۰۲) - هرگاه کسی بر یک کاغذ سفید مهر اردو یا امضا دهد که

بر او امانت تسلیم گردیده باشد، امانت داری خود را

سودا به مال نموده بنام صاحب مهر و امضا عبارتیکه

مقتضی قیود یا برابر بوده، و یا خود بر آن یک سند

بنویسد که صاحب امضای او یا مال ناقصان

برساند بعد از تاوان شرعی از یکسال تا دو سال

حبس و از دو صد روپیه الی هزار روپیه جزای نقدی

(۲۰۳) - کسیکه بصورت امانت و کالت سندات و اوراق

اموال، اشیاء نفوذ و سایر که بر او تسلیم گردیده باشد

بصاحبش را عاده نموده، پنهان و یا ضایع کند، بعد از

جزای شرعی [از ششماه تا دو سال حبس].

(۲۰۴) - هر شخصی سند خود را که بر اثبات دعوی در محکمات میبکند

و یا یک کاغذ دیگری را بی اطلاع یافتن محکمات دوز و یا پنهان

کند [از پنجاه روپیه تا دو صد روپیه جزای نقدی].

فصل ششم

(قماربانہ)

(۲۰) :- کسانی که قمار میزند (مال قمار ضبط و میراث از قمار باز)

(۹۳ دوره ضرب) .

(۶۰۶) :- کسانیکه در خانه و مکانها به خود میهنانی قرار باز دارند

آوردن آنها حق فعل میگیرند از خود و پیه الهی بخند و چیه

جہاں ہے نقدی، وہاں ہوا و فضا ہے۔

فصل پنجم

کسانیکه مردم آزاری و بی پروه خرمی میکنند

(۲۰۷) :- کسیکه آلات ادوات را زحمت و صناعت دیگر را بشکند یا خرد

کند بعد از نماز آن از کیهفت تا یکماه چسبنا

(۲۰۸) :- کسیکه حیوانات سواری و پارگی اسب خوانند و سایر

حيوانات دیگر بر اقصاء التکلف نمایند بعد از تناول آن

بصاحبش بچند مقدار تاوان جزای نقدی از وی گرفته میشود
 (۲۰۹) — کسیکه خندق جزای یک بر د و راد و در ارضی یک شخص دیگر گشته
 باشد، پروخا کرین نماید و یا احاطه های که از تپه تا و خارخون
 اطراف کشت زار کشیده شده ویران کند [بعد از تاوان آن
 بقدر مقدار تاوان جزای نقدی] —

(۲۱۰) — کسیکه طرق عمومی و یا چشمه و یا بل یا آبروهای آب و یا آب
 که ملک خود او نباشد بالا اختیار مردم و تخریب کند [بعد از تاوان
 آن شش ماه تا دو سال حبس] —

(۲۱۱) — کسیکه بدون یک دست آویز رسمی حجت شرعی که خواهر را
 نماید، خود بخود اموال غیر منقول را که داخل عهده تصرف شخص
 باشد ضبط و مداخله نماید [بعد از سه روز خیر ضبط گردیده از کما شش ماه
 حبس] —

(۲۱۲) — کسیکه بناهای کشت زار را بخی که هنوز بکمال نرسیده
 باشد قطع و تلف نماید، و یا بقصد تخریب در آن
 حیوانات را بکشد [بعد از تاوان آن از بیست و

اصول کارهای

ناصر و پیه خراے نقدی].
 اگر این نهالستان تخریب شده عبارت از نهالها
 باغ نهالهاست قیمتی میوه دار باشد [بعد از تاوان
 از نگاه تا دو سال حبس و از دو صد روپیه لی دو هزار
 روپیه خرای نقدی].

فصل دهم

(قواعد خبرائیه که متعلق به طبیان و جراحان عظام است)
 (۲۱۳) — طبیان و جراحان عظام اینکه بنا بر سوره قصه و به بیمار دوا میخان
 داده موجب موت و فوات مریض گردند [اعدام].
 (۲۱۴) — اینچنین یک دوا که مخالفیکه بنا بر سوره قصه داده شده
 باشد و هر چند موجب موت و فوات مریض نگردد و یا
 باعث شدت بیماری و مرض شود، طبیب و یا
 عطار و جراح [سرای اینکه آینده در مسیح جا اجرای
 صنعت توانند، شهادت نامه شان ضبط میشود]

باب سوم (جرمها نیکه از نفع قباحت باشند)

فصل اول

(جرمها نیکه از نفع قباحت که از مأمورین)

(صادر گردد، و هر کدام مستلزم جزائیست که در جداول)

(در برابر همان جرم نوشته شده)

(۲۱۸) — مأمور نیکه در مقابل آمرما که خود بچهره منی و سرکشی

نمایند [از پانزده روز تا یک ماه حبس] و یا [از دو ماه تا چهار ماه

تجاوز] پس بقسم جزای نقدی وضع میشود [اگر سرکشی در مقابل

یک تنبیهی که متعلق به ایفا و وظیفه او بوده بعمل آید

[لا اقل یک ماه حبس و از مأموریت عزل]

(۲۱۹) — مأمور نیکه در حق ایفا امریکه آمرمای شان داده

باشد سستی و سهل انگاری نشان بدهند [در نوبت

اول تجاوز یک هفته، و در دفعه دوم تجاوز پانزده روز و

در مرتبه سوم نخواهد یک ماهه او قطع گردیده، نوبت چهارم
 از یک هفته آید و در روز جمعه گردیده از مأموریت عزل میشود.

(۲۲۰) — علی العموم مأمورینیکه در خدمات و وظائف خود غیر حاضر

می مانند [بمطابق نظامنامه حاضر] جزای می بینند.

(۲۲۱) — مأمورینیکه در خارج وظیفه از روای حیثیت مأموریت

خود بکتهای نامناسب بنمایند [در نوبت اول اخطار،

بار دوم در حضور دیگر فقایش توجیه، دفعه سوم

قطع نخواهد یک ماهه او، مرتبه چهارم عزل از مأموریت].

فصل دوم

(جرمهای ذیل علی العموم از نوع قباحات بوده است)

(جزای می بینند که در برابر هر کدام نوشته باشند)

(۲۲۲) — در راه ما و سرکها، خاک رویه ها و گند گیها و سایر چیزهای نیکه

موجب بدبویی و تعفن باشند و حقن و بی بی پروائی

بالا کسی خاک جاروب و چسبک بخیستن، و بر

در مأموریت عزل از مأموریت

روے سرکہا حسب الزوم بعضے چو قور پہا کنده شبانه
بربالاے آن فانوس نگداشتن [از یکروپیہ الی
بیت روپیہ جزای نقدی].

(۲۲۳) در داخل شہر و دیہات در جائیکہ احتمال ضرر باشد
بطاقتی انداختن [از دہ روپیہ الی پنجاہ روپیہ جزای
نقدی].

(۲۲۴) در داخل شہر بالازوم تفنگت دن [صد روپیہ جزای نقدی].
مراد از تفنگت دن شہر فقط همان مناطق شہر از آن مملکت
کہ از طرف قوماندان محلی محدود و تخریر کردہ میشود.

(۲۲۵) در جائیکہ مردمان جمع باشند سپاہ و اسبیدن
[از دہ روپیہ الی پنجاہ روپیہ جزای نقدی].

(۲۲۶) کسیکہ از گرفتن سکہ دولت بقیمت معینش انکار
و استنکاف ورزد [از دہ روپیہ الی سی روپیہ
جزای نقدی].

(۲۲۷) قصد آبخانہ و یا حویلی یک شخص دیگر خاک و سنگ

مجموعہ دستاویزات
تاریخہ ہندوستان
جلد اول
صفحہ ۷۰

و نا پاکی انداختن، بویجا اینکه داخل شدن در آن ممنوع است
در آمدن از جای که گذشتن آن از آن ممنوع است که نشن [از
بیت روپیه لی شصت روپیه جزای نقدی].

(۲۲۸) — بد رجه که باعث برهم زدن راحت نامالی گردد بلامبو
غال مغال و شسماته کردن [از پنجر روپیه تا بیت روپیه
جزای نقدی].

(۲۲۹) — اعلا ناتی که با هر حکومت چسپانیده و آویخته شد باشند
کندن و پاره کردن [از پنجاه روپیه لی صد روپیه جزای
نقدی، و از پانزده روزی الی یک ماه حبس].

(۲۳۰) — کسانی که کمتر از پنج معین مرجع اشیا را بفروشد،
از بیت روپیه الی هشتاد روپیه جزای نقدی و
از سه روز الی یک هفته حبس].

اگر اشیا و فرودن ز قبیل نان گوشت آرد و چوب و غل
باشد که حواج ضروری و بسته آن است [جزای نقدی بقراب
فوق، مدت حبس از یک هفته الی پانزده روز].

- (۱۳۱) — کسیکه جائی را که برای منافع عمومی از قسم طرق عامه میدهند آنها
و تماشا جا با ترک و تخصیص شده باشند خراب و ویران سازند
و یا از طول و عرض آن مقدار برای خود بزد و آجائی
که خراب کرده است بخودش تعمیر نیتود، و جائی را که
دزدیده است از روی اخذ و استرداد گردیده، بعده آنرا باز
روز را لی بکاه محبوس میبندد، از عیبت رویه الی
بهشت تاد رویه جزا کے نقدی میدهند.
- (۱۳۲) — کسیکه بر دیوارهای مساجد و جوامع و مقبره ها و بر سنگها
و دیوارهای عمارتها سرکاری، و امنیه خصوصاً
بزرغال و سیاهی و غیره چرک و خط میکشند و یا در
جائی را که از طرف حکومت نشانیده شده، و یا گلهزارها
که بر اطراف سرکها طرح شده اند خراب کنند و
یا گلهزارهای آن را جدا سازند [از پنجره و پتیا پنجاه
روپیه جزا کے نقدی].
- (۱۳۳) — جرائمیکه در نظامنامه جزا کے فیذا برای آن

در نظامنامه جزا کے فیذا برای آن

[از کبرویه الی دو صد روپیه جزای نقدی] و از [کبرویه]
 الی یکماه جزای حبس [مقرر گردیده کافه آن از نوع قنات^{باشد}
 (۲۳۴)۔ کسانیکه هنگام شب چراغها گادی را خاموش نگذاشته
 باشند [دور و پیه]۔

هرگاه چراغ بالیکل باشد [کبرویه]
 هرگاه چراغ موثر باشد [بسیست روپیه جزای نقدی]۔
 (۲۳۵)۔ در اثنای مرور عبور غیر پیاده بر سر کباب دست چپ
 مرفه بدست راست بروند [بجز روپیه جزای نقدی]۔
 (۲۳۶)۔ گفتن لغات رکیک لغو طعن و استهزا غیر قدس
 [بجز روپیه جزای نقدی]

(۲۳۷)۔ جنگیدن طيور و حیوانات [بسیست روپیه جزای نقدی]
 (۲۳۸)۔ در داخل شهر کوتر پزنی و کاغذ پزنی و بدون
 بالای بام برآمدن که از آن همسایه متضرر شود [پنجماه
 روپیه جزای نقدی]۔

لیکن کاغذ پزنی بدون بام، مخصوص نموده شده، که بهتر

بدون براندن معاف هست.

(۲۳۹) - جنگهای خفیف و گفتگوهای بازاری که روزمره واقع
میشود، در صورتیکه یکی از جانبین بد اثره پولیس
عرض کند [از پیرویه الی حیت روپیه جزای نقدی
و از یکروز تا یک هفته حبس]

(۲۴۰) - آویختن مرغ زنده از پای برای فروختن در بازار [دو
روپیه جزای نقدی]

(۲۴۱) - اسب در بازار ایستاده کرده، و خود جلوانرا گرفته بر
دکانی نشستن [پیرویه جزای نقدی]

(۲۴۲) - برخواستن یا بر یک عماره از مقدار نظامنامه اضافه از طاش
بار کردن [از پیرویه الی حیت روپیه جزای نقدی]

(۲۴۳) - استنجای دست بر سر کمالا یا لیا نه گشتن [یکروپیه جزای نقدی]

(۲۴۴) - کسانی که مانند مسجد و تربت و سایر آثار شریفه و

یا اینده و عمارتیه که از تزیینات بلد یر میباشند

خراب کنند یا در نمایند، و یا درخت یا دهنالها را بیکه

در راه و سرکها و کوچها و یا مسجد با
 بزرگواران از اداسی تا و ان مقصد در ضرورت
 تا هزار روپیه جزای نقدی و در یک هفته تا یک ماه حبس
 (۲۶۵) به اجرا احکام این نظامنامه وزارت عدلیه آمده است.

نظامنامه حبس

(۱) در دانی که بخانه شخصی بر آرد وی رفته به بردن مال موقوف
 و جرمی هم واقع نشود هرگاه در جماعت آنها زیاده از یک
 نفر مسلح باشد صاحبان سلاح [حبس دوام]
 و باقی نفری شان [از ده سال الی پانزده سال حبس]
 هرگاه تعداد نفری از ده نفر بوده تنها یک نفرشان مسلح باشد
 شخص مسلح [از هشت سال الی ده سال حبس]
 و باقی نفری آن [از پنج سال الی هشت سال حبس]
 هرگاه تعداد نفری از سه کس کمتر باشد شخص مسلح

انقضای مدت حبس

از چار سال لی بیسالی

[از چار سال لی بیسالی]

و باقی نفی [از یک سال لی بیسالی] عیس [۳]
در صورت عدم حصول مصارف محکمه از محکوم علیه

بجای تحقیقات و اراست متعلقه اش در ولایت و محاللات
بقرار تحقیق کونوا لها در حکومتی با بذریعه حکام محلی تحقیق
بجای اکتشافی برسد فیصله دعوی مجانی بابل بدل اده شود.

[۳] کسی که بجزیره غیر واقعات قتل و تعزیر حبس محکوم شود
در حبس حبس دایه جزای نقدی را کرده نتواند
در مقابل هزار و پنصد روپیه جزای نقدی بخشد

حبس یکسال اجبور اند که در حبس طی کنند.

[۴] کسی که با اتهام جنحه و جنایتی توقیف شود و در محاکمه
عدلیه اصل فعل او ثابت شود ایام مدّه حبس شان
از ابتدا به توقیف محسوب است.

[۵] محصول فیصله فقرات قتلی که دیت بطریق قسامت حکم
زاید از شش روپیه که قیمت اصل فیصله است گرفته نشود.

(۶) — کسانی که عند الزام وزارت تا و دو اردو است جلبت

اگر فریه دارو یا مظلوم شود و اگر با مویر تصدیق حاضر نبودن
و بیماری شخص طلب نموده را بنماید و کذب ظاهر شود و

[از بیست روپیة الی دو صد روپیة جزای نقدی]

(۷) — مجبوسین که از توقیف خانه تا قرار ینمایند باز دستگیر شوند

مجبوسین جنحه بوده از محاکم شرعیة بر آنها حکم حبس صادر شده

باشد ربع میعاد حبس مقرر و اگر مجبوس جنایت باشد

ثلث میعاد حبس محقة خود را علاوه بر جزای سابق

خود تا اكمال ینمایند و الا قبل از محکومیت صدور حکم محاکم

شرعی فرار کنند [از شش ماه الی یک سال مجبوس ینماید]

(۸) — کسانی که توقیف و باز پرس استنطاق اند و هنوز حکم

شرعی بر او نشان صادر نگردیده از باعث غفلت

پیره دار فرار کنند، اگر مفروری متهم جنحه باشند

محافظه فاعل [از یک ماه الی یک سال حبس] اگر متهم

جنایت باشند [از یک سال الی سه سال حبس]

(از بیست روپیة الی دو صد روپیة جزای نقدی)

و امثال ان باقیمت اصل حبس فروخته با تقسیم ساخته گاه

نماید بعد از تاوان مال (از یک سال الی سه سال حبس).

(۱۴) — کسانی که عیال منکوحه کسی را که شوهرش مسافر باشد برآ

دیگری بفریب عقد نکاح نمایند (از یک سال الی سه سال حبس).

(۱۵) — کسانی که آبا و اجداد و امهات خود را با قتل برسانند

اگر قرار تمسک القضاة الایمانیه قصاص لازم نشود،

سیاستاً [اعدام]

(۱۶) — مصارف محکمه بر خلاف قاعده (۱۷) نظامنامه جزا

قبل از تضمینات شخصیه در دموال مسروقه و بیت

شرعی گرفته میشود.

(۱۷) — اگر در جمله دزدان علاوه از کینفر مسلح بوده قرار قاعده

(۱۹۱) دزدی نماید تحت قاعده (۱۸) اجرا میشود.

(۱۸) — کسانی که شخصی را بعوض شخص دیگری که حقیقتاً آن شخص

حاضر نباشد در محکمه آورده برآی فواید خود را بفرستد

از افراد شخص غائب و نیقه شرعی حاصل نمایند،

نظامنامه جزا

کذا بعضی اشخاص واقعه مذکور تصدیق نمایند، هرگاه منفعتی
 حاصل کرده باشند شخص ضرر رسیده مسترد گردید و بها
 مقدار جزا تقدیری از اشخاص میباید کفاره علی السویه تحصیل
 و نفری مصدقین جزای شاید زور می بینند،
 اگر فائده تحصیل نکرده باشند فریب کنندگان و
 مصدقان معامله مذکور جمعا جزای شاید زور می بینند
 (۱۹) - اشخاصیکه بدزدی و داره و قمار و شهرت پیدا کرده
 باعث اخلاف امنیت و رفاه عام میشوند باید اشخاص در
 دوره شناسائی بخوار محکمه ابتدائیه مرکز ولایت و محال قریه
 صورت واقعه را سجل نموده نمایند، و نامورین دولت
 از شخص علقه داران نامی حکومتهای انجمن علوما تیکه در
 باره آنها داشته باشند مسترد گردیده قافله به محکمه تعلق
 داشته باشد پس از این معلومات ملا حکم شرعی میگردد
 اگر شهرت بدزدی و داره و قمار و شهرت پیدا کرده
 شهرت بخیر و ابرو با (از محال الی ده سال حسن) -

۸۱
[اگر شهرت محدود باشد نقل مکان] .

(۲۰) — کسانی که محکوم به نقل مکان گردیده خلاف حکم بکومتی منفی
و سپس عود نمایند اگر ثانیاً منشأ فساد و داره و تاراج
گردند [اعدام] .

[الا از پنج سال الی ده سال حبس] .

(۲۱) — اگر عامل قتل عمد نامعلوم بوده ورثه مقتول شخص معین
دعوی اصل فعل و بر مالک مقتول دعوی دیت و قسامت
شرعی را نمایند بواسطه وجود قتل از نفری بالغ ذکور
بهان محله و موضع که جسد مقتول ظاهر شده فی نفر خیر و پیه
بطور جرمیه جزا سے تقدی گرفته میشود، بدیگر محله و یا قریه
جریمه مذکور نفوذ نمیکند .

(۲۲) — از ولایات و حکومتها سے اعلیٰ مجرمنیکه از پنج سال اضاف
در باره شان حکم حبس میشود . و از حکومتها سے مربوط
ایالت کابل اشخاصیکه زیاده بر سه سال مستوجب
محبوسی باشند در هر سال بدو مرتبه مجوسا هرگز کابل

(التقلاص بر این عمل)

فرستاده شوند، تا در توقیف خانه مرکزی اوقات
محبوسی آنها پوره شود.

(۲۳) — کسانی که مبادا اشتهاء و نشر خبرها بکے خلاف واقع متعلق
سیاست داخلی ملک شوند [از بیست روز تا یکماه
حبس، و یا از یکصد روپیه الی دو صد روپیه جزا بے نقدی]
محکوم این ماده را قوماندها بکے کو تو الی ولایات و حکام
زمانیکہ این بیانات افواہ سبب پریشانی مالی شود موقتاً
الی رفع اینچنین افواہ اجراء میدارند.

(۲۴) — اشخاصیکہ چیز را حکومت اعلان نکرده باشند بکجو
نسبت داده در بین مالی نشر و شایع کنند [از ده روز
تا یکماه حبس، و یا از پنجاه روپیه الی دو صد روپیه جزای نقدی].
(۲۵) — شاهدانی کہ بزنا شهادت داده اند در زمان جرم زانی غایب
یافت شده باشند محکوم علیہ مذکور تعزیراً [بضرب ۷۹
دره و تشهیر محکوم میشود].

(۲۶) — شاهدی کہ شهادت ناحق بدہر علاوہ بر ضرب و تشهیر کہ در فصل چهارم

جزای عمومی نشان داده شده [از سه ماه حبس] -
 (۲۷) - کسیکه ورثه مقتول را بر حقوق کردن از قصاص ثابت مجبور
 کند [قاتل سیاستاً اعدام، و اگر راه کننده یک هزار پیه
 جزای نقدی و یک سال حبس] -

(۲۸) - در کردن یا تراشیدن بقدر ربع و اضافه ازان موی سر
 در شش مرد را اجباراً [از یک ماه الی سه ماه حبس، و از دو صد
 روپیه الی پنج صد روپیه جزای نقدی] و اگر موی سر زن را
 بقدر ربع و اضافه ازان کند و یا تراشید [از سه ماه
 الی شش ماه حبس، و از پنج صد روپیه الی هزار روپیه جزای
 نقدی گرفته میشود] و در کردن و تراشیدن موی مرد
 وزن کبودن از ربع باشد در تحت حکم قباح محسوب آید -
 (۲۹) - کسیکه بیک صدمه غیر فعل زنا بکارت باکره را زائل نماید
 بر مهر مثل [از سه ماه الی شش ماه حبس] -

(۳۰) - زنیکه با دیوانه زنا کند [از ۳۹ دینه الی ۷۵ دینه ضرب]
 (۳۱) - مودی که با زن اخیخته بغیر زنا و لواطه باقی اعضا او دست
 درازی

در تحت حکم قباح محسوب آید

و یا مساس کند در صورتیکه مرد اگر اه کند تنهامرد، در صورت
رضا زن و مرد هر دو از [۲۵] دره الی [۳۹] دره ضرب، و آن
یکسال الی دو سال حبس [۳۲].

(۳۲) — رقا صی زن بحضور مردان هر واحد [از ششماه الی
یکسال حبس و از دو صد روپیه الی سه صد روپیه جزای نقدی]
وزن [از دو دره الی پانزده ضرب، و از دو صد الی صد
روپیه جزای نقدی]

(۳۳) — زنهاییکه به بدافعالی متواتره شحرت پیدا کنند [از ده دره
الی پانزده ضرب، و از دو صد الی صد روپیه جزای نقدی].
(۳۴) — شخصیکه پدر و یا مادرش از ایداء، و یا اطوارنا^{سند}
او بجا کم شاکی شوند [از سه دره الی یازده دره ضرب
و یا از یکماه الی چهل روز حبس].

(۳۵) — زنیکه بدون عذر شرعی و بلا اذن شوهرش در خانه
مردمان اجانب برود از هفت دره الی بیست و پنج
دره ضرب [۳۶].

(۳۶) — شخصی که در مقابر رفته کهن میت را بکشد (از یکماه

الی سه ماه حبس).

(۳۷) — کرایه شش ماه و کسانی که بخلعت اخذ بیعانه میکنند و از

انجام عمل برآمده نمیتوانند بعد از استرداد وجه (از ده

روپیه الی دو صد روپیه جزای نقدی).

(۳۸) — کسی که شخص ششامین را بکشد سیاستاً (اعدام).

(۳۹) — اگر بعضی از ورثه معاون قتل مورث خود بوده عفو نماید

چون عفو او مسقط قصاص میگردد قاتل سیاستاً (اعدام)

(۴۰) — زنیکه فرعونی مدخل دیا حرکت قتل شوهر خود کرد و قتل بعمل آید

سیاستاً (اعدام).

(۴۱) — در مسئله زنا که حد شرعی بشبه ساقط شود (از ۳۹ دره

الی ۷۵ دره ضرب).

(۴۲) — زنیکه شوهرش غایب باشد و خودش حامله گردد و دیده

بر زنا اقرار و نسبت فعل را بر یک شخص منکر نماید، اگر

برضای خودش فعل وقوع یافته باشد (۷۵)

محرر: ج. ا. محمودی - ۱۳۰۰ هجری

هفت سال حبس، و غیر آن ثلث مجازات

محکوم علیه.

۴۵: — اگر بر اقرار قاتل عید مامورین دولت که رسماً تحقیقات

ابتدائیه موظف هستند در محکمه شرعی گواهی داده

ورثه مقتول عفو نمایند مجرم به مجازات قاعده (۱۴)

محکوم میشود.

۴۶: — اشخاص متخاصمین که بمحاکم عدلیه یا اداره های دولت

در اشکال محاکمه و تحقیقات باهم مشتمل کنند از محاکم

عدلیه بموجب امر قضاة در کوتهالی محلی و بدیگر دول و

از طرف آمریهان اداره که اختیار اجرا بر قباحت

راداشته باشند در باره آنچنان اشخاص مجازات

قباحت اجرا میشود.

۴۷: — کسیکه متهم بقتل باشد اگر یک امر در اباکراه بگیرد

[۳۹] دره ضرب، و از شش سال الی ده

سال حبس.

التقوی لیس فی الحکام

و اگر بجزد و فریب ببرد (۳۹) دره ضرب و دوسا

حبس [۱]

اگر یک شخص مستور الحال، با کراه بگیریزاند (۲۵)

ضرب، و سیال حبس [در صورت خدع] از یکسال الی

دو سال حبس [۲]

اگر در صورت رضا بجاز اتی که گیریزانده محکوم شده

محکوم میشود.

و اگر یک طفل را بگیریزاند که منظمه بد فعلی نباشد خاص

گیریزانده بجازات شدید قباح محکوم میشود.

(۴۸) — مأمورین ماتحت هرگاه علاوه بر اختیارات خود بوظائف

آمران شان جرئت ورزند و ازین خلاف ورزی آنها

چیز ضرر نرسد از یک هفته الی یکماه تنخواه شان کسر میشود

و اگر براس دولت یک ضرر برسد نظر بدرجه

ضرر [از پنچصد روپیه الی ده هزار روپیه جزا

نقدے [۳]

(انتقال کائنات بر زمین)

و اگر سیاست دولت یک ضرر برسد نظیر برباتی
 ضرر [از دو سال الی سه سال حبس]
 و اگر از آن براسی یکی از رعایا ضرر برسد علاوه بر تادان
 مال نظیر برباتی جرم [از صد روپیه الی یک هزار روپیه
 جزا سه نقدی گرفته میشود].

۴۹: — مأمورینی که بترتیب اوراق سوانح عمر خود مکلفیت دارند
 اگر در مرکز کابل مستخدم و سکونت شان در شهر
 باشند، بعد از خال پسران و دختران قابل
 التعلیم خود شان که سنین آنها از هشت
 سال کم و از ده سال اضافه نباشد در مکاتب
 مکلف اند، و هرگاه در اطراف ملازمین شان
 باشد تنها بشمولیت بچه های خود در مکاتب محلی
 مجبور اند.

در صورتیکه نسبت تکمیل قاعده فوق مساهلت و کاسل
 ورزند در مرتبه اولی تنخواه دو ماهه و در دفعه دوم تنخواه

مأموران محلی و مأموران

چهار ماهه شان قطع گردیده بالاخر در کت سوم خواه
شش ماهه اونها کسرو از امور بیت طرد کرده بشوند.
اجرای احکام قاعده فوق را در مرکز کابل از ابتدا
ماه دلو و در ولایات و محلات از اول سال ۱۳۰۳
امر میفرمایم.

۵۰: — هرگاه شخصی محکوم بقصاص گردیده برای استیفای
قصاص بورثه مقتول تسلیم شود ورثه مقتول میتواند
که خودش محکوم را با سلاح مثل شمشیر و یا کار
تیز و تفنگ قصاص کند و یا یک نفر و یا چند
نفر را از طرف خود وکیل بگیرد که آنها با سلاح مثل
شمشیر و یا کار و تیز و تفنگ و کالتا قصاص
نمایند بشرطیکه خود ورثه در وقت استیفا
قصاص حاضر باشد.

۵۱: — چلم بردار بازار و مداح و قصه خوان و اسپندی
رمال قال بین مسلمان و اهل ینود و سادو و مانیک

(التقایا کال صیال الی کلکلی)

بدر و از ه لای میگردند موقوف اند اگر

بعد ازین مرتکب شوند در هر دفعه ده روپیه جزا است

نقدی یاده روز حبس خواهند شد .

۵۲ : — جزائیکه در نظامنامه جزای عمومی تعیین گردیده است

بقرار ذیل تعین میشود .

الف - در باره جرائمیکه باثبوت قطعی شرعی

ثابت گردیده باشند عیناً تطبیق میشود

ب - جرائمیکه مطابق مواد اصول محاکمات

جزائی بقرائن و امارات سند قومی سائر

اسبابیکه ظن غالب باشد ثابت شوند از پنج

حقت چهار حصه تعیین جزا میشود .

ج - جرائمیکه مطابق مواد اصول محاکمات

جزائی بقرائن و امارات مقننه و سائر اسبابیکه

ظن غالب ثابت شوند و مواد جزای آن ابتدا

و انتها داشته باشند نیز از پنج حصه چهار حصه

(التقاعاد اصول الجزای)

تعیین جزا میشود .

۵- جرائم مستلزم جزای اعدام که مطابق

بیانات قاعده (ب) ثابت شوند بجزای

۱۵ سال حبس تجویز میشود .

او خال نظامنامه هذا را در نظامات دولت ، و اجرا



احکام آنرا اراده میسپاریم

عبدالحق میرزا محمد علی قزوینی

